



گزارش نامه داخلی  
دکتر محمد صالح المنجد  
حضرت آیت الله العظمی صانعی  
یکشنبه ۱ شهریور ۱۳۸۸ - ۲ رمضان ۱۴۳۰ - ۲۳ آگوست ۲۰۰۹  
سال اول / شماره ۱۶/۵ صفحه  
www.saanei.org & istifta@saanei.org

گفتگو:

**زن و مرد در همه حقوق  
برابر هستند**

فهیمة خضر حیدری

۴

گزارش:

**قانونی کردن قتل**

حامد متقی

۱۰

گفتگو:

**مردم باید آگاه باشند**

حسن صدراپی عارف

۱۱

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:  
اولین وهله ای که معصیت خدا شد  
سببش شش چیز بود: محبت دنیا، حب  
ریاست، شکم پرستی، علاقه به زن،  
میل مفرط به خواب و راحت طلبی  
کافی، ج ۲، ص ۲۸۹.

دیدار با فرزندان:

**فقه و حقوق بشر**

**با نگاهی به زندگی مرجع**

**نواندیش شیعه**

۸

حضرت آیت... العظمی صانعی در دیدار دانشجوی مصری:

## فرایند تبعیت از نظامات اجتماعی

ساره عیاری شهروند انگلیسی مصری الأصل، در حال نگارش رساله ی دکترای خویش در یکی از دانشگاه های لندن است، موضوع رساله ی ایشان اشغالگران و اوضاع کنونی عراق می باشد، که بخشی از آن را تدوین نموده و تصمیم گرفته اند این موضوع را از جنبه ی فقه شیعی نیز مورد بررسی قرار دهند، لذا تقاضا کردند تا در همین زمینه دیداری با مرجع نواندیش شیعه حضرت آیت الله العظمی صانعی داشته باشند و ضمن گفتگو با ایشان، سؤالاتی را در این زمینه مطرح نمایند، گفتگوی زیر نتیجه ی این ملاقات است.

ابتداءً از این که این وقت را در اختیارم قرار دادید بسیار سپاسگزارم، بی نهایت بر من منت گذاشتید که این فرصت را به من دادید، با توجه به این که می دانم وقتتان بسیار فشرده است.

صراحتاً عرض می کنم که نیاز به تشکر نیست، هر چه می گویم چیزی جز انجام وظیفه نیست، شما نسبت به من حسن ظن دارید و من جزء این جامعه ام و بر من لازم است هر چه می دانم بگویم.

خداوند به شما برکت دهد، من در منابع رساله ی خود از جواهر الکلام شروع کردم، پس از کتاب جواهر، بر کتاب های علامه ی حلی و محقق حلی تأکید داشتم و از متون قدیم فقط دیدگاه های شیخ الطائفه علامه طوسی را مورد بحث و بررسی قرار می دهم، آیا شما در این زمینه پیشنهاد دیگری دارید؟

در حقیقت سؤال اول من از محضر شما اینست که: در صورت ایم مسلمانان از دشمنی که تهدیدی جدی برای سرزمین اسلام به شمار می آید، اجماع فقهی مستند بر ادله ی اربعه مبنی بر وجوب دفاع وجود دارد، و برخی از فقهاء فرار از میدان جهاد را تحریم نموده، آن را از کبائر می شمارند، و در موضوع دفاع از سرزمین اسلامی شرط قدرت و مکتد را در نظر نمی گیرند.

ادامه در صفحه ۲



## فرایند تبعیت از نظامات اجتماعی



### عدم تحقق استطاعت به خاطر احتمال بیماری و ضرر

باسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی صانعی (دامت توفیقاته)

با سلام و تحیت

بدین وسیله به اطلاع می‌رساند:

همان گونه که مستحضر می‌باشید اخیراً بیماری خاصی به نام آنفلوآنزای خوک در کشورهای مختلف و از جمله عربستان رواج پیدا کرده که نگرانی‌هایی را در دولت و ملت ایران، خصوصاً نسبت به حج و عمره به وجود آورده است، لیکن تاکنون هیچ مقام مسئولی حتی خود دولت عربستان نسبت به منع قطعی حج و عمره اظهار نظر نکرده‌اند، تنها وزیر بهداشت دولت عربستان توصیه کرده است بیماران خاص و افراد بالاتر از شصت

و پنج سال و نیز خردسالان به حج و عمره نروند. از سوی دیگر از مجموع حدود هفتصد هزار نفر زائر عمره سال جاری نیز تاکنون حدود پنجاه نفر بر اساس اخبار منتشره به این بیماری مبتلا شده‌اند که همگی بحمد الله معالجه گردیده‌اند. حال با توجه به نکات فوق خواهشمند است مرقوم فرمایید:

۱- آیا ضرر متحمل در حد آمار فوق دلیلی بر تأخیر حج افراد مستطیع خواهد شد؟  
 ۲- آیا با توجه به این که دولت عربستان منع قطعی برای افراد خردسال و بالای شصت و پنج سال و بیماران خاص ندارد، با این مقدار احتمال ضرر، افراد می‌توانند حج خود را به تأخیر بیندازند؟  
 سلامتی و دوام توفیقات حضرت عالی را از خداوند متعال مسألت داریم.

مرکز تحقیقات حج

سید علی قاضی عسکر

۱۳ مرداد/۱۳۸۸

باسمه تعالی

ج(۲): نه تنها احتمال ضرر ذکر شده، یعنی خوف از ضرر موجب لزوم تأخیر می‌باشد (چون هر عملی که همراه با خوف از ضرر باشد انجامش حرام و معصیت است) بلکه سبب عدم تحقق استطاعت در سال خوف نیز می‌باشد، و ناگفته نماند چنانچه مبارزه با شیوع این بیماری خطرناک در منع کردن بعضی از افراد از حضور در جمعیت‌های زیاد نظیر حج باشد، منع نمودن به خاطر ضررها و حرج‌ها به خود اشخاص و جامعه، واجب و لازم شرعی و عقلی است و در این فرض اگر شخصی از این جهت برای رفتن به حج ممنوع شود (هر چند بقیه شرایط استطاعت را داشته باشد) در سال منع، مستطیع نبوده و حج بر او مستقر نشده است.

۱۷ شعبان المعظم/۱۴۳۰

۱۸ مرداد/۱۳۸۸

ادامه در صفحه بعد

یا جان تجاوز نماید، بر کسی که مورد تجاوز قرار گرفته واجب است دفاع نماید حتی اگر بدانند دفاع او فایده‌ای نداشته و به مرگ او منتهی می‌شود.

فلسفه‌ی این مسأله در این است که با وجود حکم دفاع، جرأت ظالمان بر ضرب و شتم و غارت اموال دیگران کمتر می‌شود، زیرا در معرض درگیری با اشخاص قرار گرفته و همین امر باعث کم شدن جرأت آن‌ها بر ظلم و تعدی می‌شود.

اما در مورد دفاع گروهی: ظاهراً به این شکل نیست، یعنی اگر مسلمانان بدانند که دفاع گروهی ثمربخش نبوده بلکه ممکن است به کشته شدن همه‌ی آن‌ها منجر شده و باعث شود دشمنان نسبت به قبل از قدرت بیشتری برخوردار شوند، ظاهراً حکم عدم و جوب دفاع و حتی عدم جواز آن است، لذا از این جهت بین دفاع فردی و گروهی تفاوت وجود دارد.

اما در مورد کشور اسلامی یا کشوری که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند، و آن کشور دارای حکومت و قانون است، به طور قطع حکم به

عدم جواز هرج و مرج و دفاع از حزب و گروهی خاص می‌دهم زیرا اسلام از هرج و مرج و تفرقه‌مانعت می‌کند.

بی شک تبعیت از حکومت امری لازم است چه حاکم کافر باشد چه مسلمان، و جوب نظامات اجتماعی و امنیت برای مسلمانان ضروری است و اسلام نسبت به این مطلب تأکید دارد. اگر افراد جامعه اختلاف پیدا کرده و هر کس طبق عقیده‌ی خودش عمل کند، دیگر هیچ نقشی برای حکومت باقی نخواهد ماند و امنیت و وحدت از بین خواهد رفت شاید آیه‌ی «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا» (همگی به



**وجوب دفاع از ضروریات اسلام به شمار می‌آید و برای اثبات آن نیازی نیست به ادله‌ی اربعه تمسک کنیم، ضرورت وجوب دفاع به حدی است که انکار آن موجب کفر است، همان گونه که انکار ضروریات باعث کفر و خروج از دین می‌شود، به عبارت دیگر وجوب دفاع بر مسلمانان مانند وجوب نماز ظهر از ضروریات دین به شمار آمده و هیچ اشکالی در آن نیست و هر مسلمانی آن را می‌داند و به آن معتقد است، و عقلاً نیز قائل به لزوم آن می‌باشند.**

همان گونه که انکار ضروریات باعث کفر و خروج از دین می‌شود، به عبارت دیگر وجوب دفاع بر مسلمانان مانند وجوب نماز ظهر از ضروریات دین به شمار آمده و هیچ اشکالی در آن نیست و هر مسلمانی آن را می‌داند و به آن معتقد است، و عقلاً نیز قائل به لزوم آن می‌باشند. اما دفاع بر دو قسم است: دفاع فردی و دفاع گروهی.

دفاع فردی: در دفاع لازم است هر چند که انسان بدانند این دفاع نتیجه بخش نبوده و منجر به کشته شدن او می‌شود، و هر کس در راه مال خود کشته شود شهید به شمار می‌آید، اگر دزد یا سارق، اموالی را برداشته یا بر ناموس

آیا با توجه به این اجماع فقهی می‌توانیم عمل کسانی که سلاح به دست گرفته و در صدد بیرون راندن اشغالگران از عراق می‌باشند را مشروع بدانیم؟ و در صورت مشروعیت عملکرد دفاعی این گروه‌ها، آیا این مشروعیت بعد از انتخاب حکومت عراقی در سال ۲۰۰۶ م ۱۴۲۷ هجری و شکل‌گیری ارتش و پلیس عراقی تغییر خواهد یافت؟

وجوب دفاع از ضروریات اسلام به شمار می‌آید و برای اثبات آن نیازی نیست به ادله‌ی اربعه تمسک کنیم، ضرورت وجوب دفاع به حدی است که انکار آن موجب کفر است،

## استفتاء

## ادامه از صفحه قبل

استفاده از ماسک در حال احرام به اطراف ضرورت و لزوم توجه به تذکرات بهداشتی

محضر مبارک مرجع عالیقدر تشیع حضرت آیت الله العظمی صاعی (مد ظله العالی)

با سلام و احترام  
باتبریک ایام ولادت منجی عالم بشریت، مهدی موعود (عج) همانگونه که مستحضرید با شیوع آنفلوآنزای خوکی (نوع A) در منطقه خاورمیانه و به خصوص عربستان به زائران خانه خدا و حرم نبوی توصیه شده است که از ماسک استفاده نمایند، لذا از حضرت عالی درخواست می شود در خصوص استفاده از ماسک یا پوشیه در هنگام احرام برای آقایان و بانوان نظر خود را اعلام فرمایید.

همچنین با توجه به انتقال این بیماری از طریق مضافه و روبوسی و احتمال ابتلای نزدیکان زائران بیت الله الحرام در هنگام بازگشت توصیه حضرت عالی به حجاج، استقبال کنندگان و نزدیکان آن ها چیست؟

عباسعلی نقیان  
سردبیر اخبار فرهنگی و علمی -  
سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی  
۱۴/مرداد/۱۳۸۸

## باسمه تعالی

ج-۱ استفاده از ماسک، گرچه به خاطر جلوگیری از استنشام بوی بد برای مردان و زنان، حرام است، کما این که برای زنان از جهت پوشیده شدن قسمتی از صورت هم حرام می باشد، لکن به خاطر ضرورت و لزوم استفاده از آن که در سوال آمده و مورد توصیه است، حرام نمی باشد. الا ضرورات تبيح المحذورات و کفاره هم ندارد.

ج-۲ به کلیه حجاج و استقبال کنندگان توصیه می شود به تذکرات مسئولان بهداشت توجه نمایند تا به چنین بیماری خطرناکی مبتلا نشوند، و اگر فردی بعد از آگاهی به خطر، به طریقی توجه ننماید و مبتلا شود، ضامن همه خسارتهای احتمالی جانی و مالی افراد دیگر جامعه است.

۱۷/شعبان المعظم/۱۴۳۰

۱۸/مرداد/۱۳۸۸

عراق واجب است علیه آمریکائی هائی که در آنجا رخنه کرده اند، جنگ به راه انداخت؟

در خصوص این مسأله ی اجتماعی باید به متخصصان اجتماعی و اهل حل و عقد رجوع کرد، که آیا از نظر آن ها به راه انداختن جنگ صحیح است یا نه، در حقیقت ممکن است برداشت کننده در این زمینه علم به حکم داشته باشد اما علم به موضوع نداشته باشد، لذا برای تبیین موضوع باید به اهل خبره مراجعه کرد. اگر انجام کاری بدون علم به موضوع آن صحیح بود در اینصورت قتل امام علی بن ابیطالب (علیه السلام) توسط عبدالرحمان ابن ملجم مرادی جایز می باشد، زیرا او چنین برداشت کرده بود که قتل ایشان واجب است، با صرف نظر از این که وی تابع هوای نفس خود شد، فرض بگیریم که او به این نتیجه ی قطعی

رسید که قتل امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) از آن جهت که موجب رفع شر از مسلمین می شود واجب است، آیا در اینصورت عذر او موجه بود؟

اگر فردی بخواهد کسی را به قتل برساند که می داند قتل او واجب است، معذور نخواهد بود زیرا کشور دارای حکومت و نظام است.

من در تحریر الوسیله و موارد دیگر نوشته ام که بر هیچ کس جایز نیست متصدی قتل شود حتی اگر آن شخص دشنام دهنده به پیامبر باشد، که در روایت در مورد دشنام دهنده ی پیامبر گفته شده که باید بدون مراجعه به دادگاه به قتل برسد، اما من معتقدم که این مسأله مربوط به زمان ما نمی شود، به این جهت که موجب هرج و مرج و ضرر برای اسلام می شود، و در این صورت دشمنان خواهند گفت: مسلمانان مردم را بدون رجوع به دادگاه می کشند، در حالی که اگر به او فرصت دفاع در دادگاه داده می شد شاید می توانست خود را از اجرای حکم حد رها سازد. مهمتر اینکه به نظر من قاتل دشنام دهنده پیامبر نیز باید جهت حفظ نظام و اجتناب از هرج و مرج قصاص شود.

این مطلب ادامه دارد

که اکنون عملاً چنین وضعیتی پیش نیامده و همه ی کشورها دارای حکومت می باشند.

منظورم این بود که اگر تلاش کنیم با تکیه بر قواعد و استناد به احکام ثانوی، فهم متفاوتی را از اسلام ارائه کنیم، آیا در اینصورت از لحاظ نظری این توانایی را خواهیم داشت تا همان گونه که شما فرمودید از وقوع محرمات جلوگیری کنیم؟

هر کس در فهم و استنباط خود آزاد است و برداشت او از ادله برای او حجت به شمار می آید. اما افراد دیگر باید از او تبعیت کنند، زیرا کسی باید برداشت کند که صاحب فهم و استنباط باشد، مثلاً متخصصان پزشکی باید توانایی طبابت را داشته باشند، اهل فهم و استنباط نیز باید توانایی فهم و برداشت را داشته باشند،

**همگی به ریسمان خدا چنگ زده و متفرق نشوید)**  
**بسیار روشن است که با وجود حکومت، تفرقه و اختلاف مطلقاً جایز نمی باشد و باید شوون حکومت رعایت گردد مگر در صورتیکه بین حکومت و دشمنان اسلام همکاری باشد و یا حکومت بخواهد حقوق مردم را از بین ببرد.**

در اینصورت فهم و استنباط او برایش حجت و معذوریت می آورد. تنوع در فهم و استنباط نزد علما امری بسیار رایج است به خصوص در فقه شیعه که قائل به باز بودن باب اجتهاد می باشند، به عنوان مثال فقهای شیعه در مورد تسیحات اربعه (سبحان الله والحمد لله والاله الا الله والله اکبر) ۱۵ قول دارند که عبارتست از فهم و برداشت های مختلف، فهم برداشت کسی که این توانایی را دارد برای او حجت است، اما وظیفه ی دیگران تبعیت و تقلید می باشد. اما اگر برداشت کسی به مرحله ای برسد که هرج و مرج به بار آورده، امنیت را از بین ببرد، معذور نبوده و عمل به آن برایش جایز نمی باشد، به این دلیل که از ایجاد اختلال در نظام و اغتشاش و هرج و مرج اجتناب شود.

در مسائل اجتماعی نیز باید به متخصصان علوم اجتماعی رجوع شود یا اینکه به برداشت های شخصی رجوع کرد. آیا می توان از قرآن فهمید که بر هر مسلمانی در

ریسمان خدا چنگ زده و متفرق نشوید) از مصادیق این مسأله به شمار آید، زیرا امنیت، حکومت، عدم هرج و مرج، عدم تفرقه، اجرای عدالت، حل اختلافات و مجازات مجرمان همگی از ناحیه خداوند نشأت گرفته اند، و اگر منشأ همه ی این امور خداوند باشد پس باید به آن ها تمسک نماییم. زیرا در این صورت به ریسمان الهی چنگ زده ایم.

شاید آیه به این مطلب اشاره داشته باشد، لیکن بسیار روشن است که با وجود حکومت، تفرقه و اختلاف مطلقاً جایز نمی باشد و باید شوون حکومت رعایت گردد مگر در صورتیکه بین حکومت و دشمنان اسلام همکاری باشد و یا حکومت بخواهد حقوق مردم را از بین ببرد. همان گونه که در نظام و حکومت شاهنشاهی ایران، سلطه ی

اسرائیل بر ایران و حکومت آن آشکار و نمایان بود. مضمون این مطلب در تحریر الوسیله ی امام (سلام الله علیه) در مبحث دفاع ذکر شده است. - لازم است مبحث دفاع را از کتاب تحریر الوسیله مطالعه کنید - در غیر اینصورت

من قاطعانه حکم به عدم جواز دفاع می دهم، زیرا این امر باعث از بین رفتن وحدت و امنیت می شود، چون دیگر جایی برای حل منازعات و احقاق حقوق اشخاص باقی نمی ماند. علاوه بر این که اختلاف باعث از بین رفتن قدرت و شوکت مسلمانان می شود. و لاتنازعوا ففشلوا و تذهب ریحکم با یکدیگر منازعه نکنید زیرا در این صورت ضعیف و سست شده شوکت شما از بین خواهد رفت.

**به نظر شما در صورتیکه به حکم دفاع در عراق نپردازیم آیا می توانیم به احکام ثانوی استناد کنیم؟ یعنی برداشت متفاوتی در این زمینه، به ویژه در باب مقدمه ی حرام و مقدمه ی واجب ارائه نماییم، یعنی برداشت متفاوتی ارائه دهیم؟**

این کار با وجود حکومت جایز می باشد، اما اگر کشوری دارای حکومت نباشد و هر گروهی بخواهد طبق روش مورد قبول خود عمل کند، در این صورت دفاع بر آن ها واجب می شود،

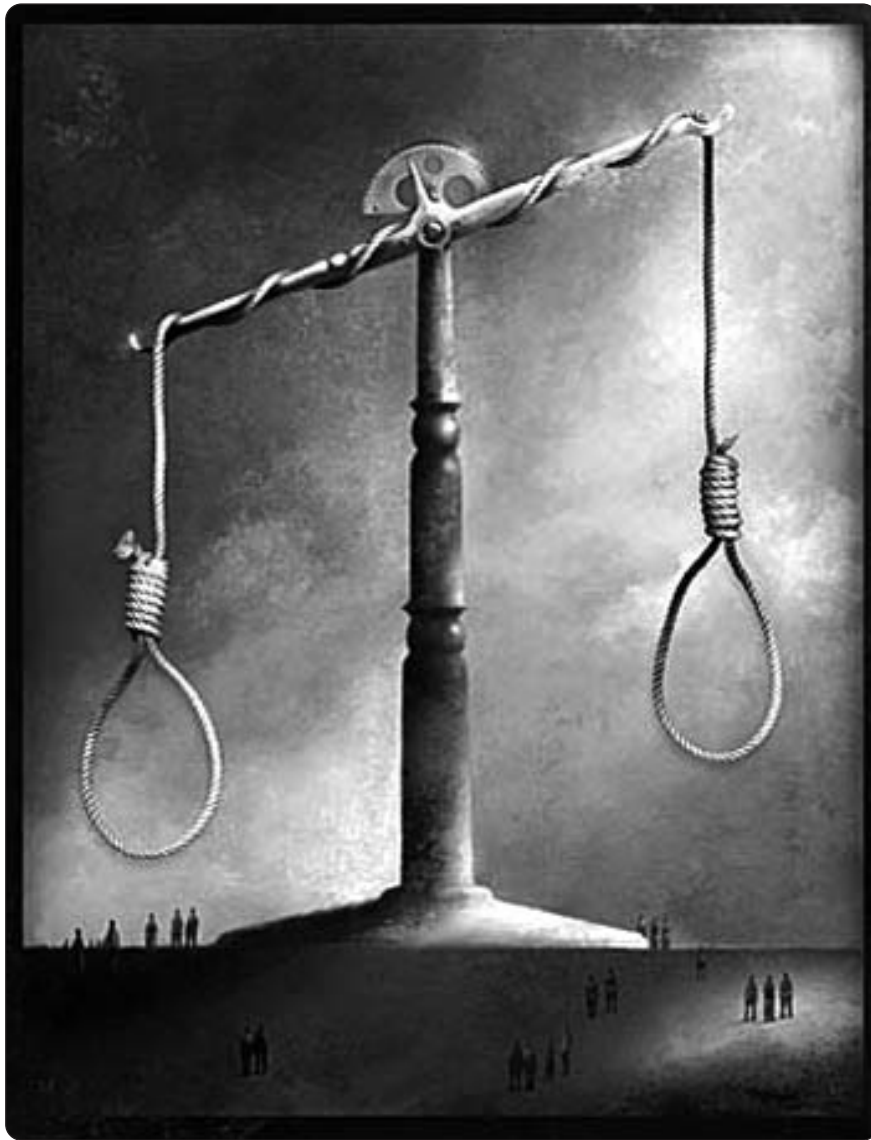


# زن و مرد در همه حقوق برابر هستند

فهیمة خضر حیدری

قسمت سوم و پایانی

به نظر شما اگر امام خمینی امروز در قید حیات بود با تغییر در قوانین مربوط به زنان موافقت می کرد؟ همه را تغییر می داد. درباره ارث و دیه و تمام این مسائل من همه را از خود امام الهام گرفته ام. اگر امام زنده بود همه آنچه که من نوشته ام را قانون می کرد و خدمت بزرگی به اسلام می شد. ما در زمان امام هر چه که می نوشتیم ایشان نظر ما را می پذیرفت. آن همه تعریف را که بیخود از ما نکرده امام بسیار ملا بود. خیلی زیرک بود و خیلی سرعت انتقال داشت و دلش برای اسلام می سوخت. همه چیزش را برای اسلام داد. ایشان غیر ما هست که همه چیز اسلام، مفت و مجانی آمده برایمان. شما که آخوند و طلبه نیستید که من به شما بگویم مرجعیت یعنی چه. امام در قم ریاست می کرد؛ مرجعیت



می کرد. یعنی روز غدیر خم از سر چهارراه جمعیت پر بود و داخل کوچه صف می کشیدند تا دست امام را ببوسند و راه نبود که برگردند. آخوندها دور ایشان بودند، تجار، دانشگاهیان، پزشکان و تمام دنیا برای ایشان

اشاره:

در قسمت اول و دوم این گفتگو، حضرت آیت الله العظمی صانعی ضمن نگاهی اجمالی به تاریخ اسلام و بررسی شخصیت زنان و مردان خداجو، به بازشکافی مسئله نابرابری دیه زن و مرد پرداختند. اینک آخرین بخش این مصاحبه طولانی را با هم بی می گیریم.

سر و صدا می کردند اما ایشان در جریان کاپیتولاسیون از همه چیزش گذشت و تبعید هم شد.

با توجه به اینکه جنابعالی زمانی دادستان کل کشور بوده اید، نظرتان درباره احکام خشنی مثل پرتاب از کوه یا قطع عضو یا سنگسار که اخیراً صادر شده است چیست؟

خارج نشوید از بحث. من نمی توانم جواب بدهم.

حاج آقا این فقط یک سوال است در حوزه بازنگری بر قوانین که قبلاً نظر مثبت خودتان را درباره آن داده اید و می فرمایید اگر امام هم بودند نظرشان موافق بود. حالا من در ادامه همین بحث سوال دارم. خارج نیست.

چیزی نگویید که من نتوانم جوابش را بدهم. من چه کار کنم؟ به آنها بگویید.

حاج آقا من برای

نمونه درباره اجرای مجازات سنگسار باید از شما جواب بگیرم. این خارج از بحث نیست. شما سوال کنید. به صورت کلی برسید تا من بتوانم جواب بدهم!

این نوع مجازات ها منسوخ نشده حاج آقا؟



تحقیق کنند ببیند زن مشکلی ندارد؟ نیامده برای کسب آبرو؟ جنگ اعصاب ندارد؟ نیامده خودش را به کشتن بدهد؟ تحقیق شد و دیدند که این طور نیست و امیرالمومنین او را باز هم فرستاد تا برود. بار دیگر که زن برای اقرار آمد حامله بود. باز امیرالمومنین گفت برو تا وضع حمل کنی و بیا تا مجازات کنیم. زن رفت و بعد از وضع حمل آمد و باز حضرت فرمود برو تا بچه ات بزرگ شود و راه و چاه را یاد بگیرد و بعد بیا. برعکس تعجیلی که ما امروز در اجرای چنین احکامی داریم.

البته من این نقد شما را قبول ندارم. چون بعد از ثبوت ، حد را دیگر نمی توان معطل کرد که حالا توضیح می دهم درباره آن اما خب بله . ما نمی خواهیم. مصلحت نمی دانیم. حالا حسن ظن اش این است که

معتمد شرایطی است که آخر کی ممکن است محقق شود؟ از طرفی این شهادت هم با همان نگاه اول که شاهد کرد که حرام است . خب با حرام که نمی شود شهادت داد. یا اینکه خود شخص چهار بار باید از راه وجدان دینی اش اقرار کند. برای اینکه می خواهد در آخرت عذاب نشود آمده می گوید من را اینجا عذاب کنید . اما کجا در جامعه بشری چنین کسی پیدا می شود؟ در زمان ائمه گاهی بوده است. تازه آن وقت هم اگر انسانی آنقدر والا شده که آمده چهار بار اقرار به جرم کرده بدون هیچ ترس و خوف و فقط برای وجدان دینی اش ، محکمه می تواند او را ببخشد . حتی اگر حکمش سنگسار باشد ؟

هر چه می خواهد باشد. اقرار قابل بخشش است. اما نه اینکه کلک باشد. باید واقعا وجدان دینی فرد به درد

نخیر. منسوخ را نگویند. چرا می گویند منسوخ که وارد راهی بشویم که بعد برایمان دردسر درست شود. این احکام را طبق قانون صادر می کنند. ماده بار بلکه صد بار گفته ایم. لابد مصلحت نمی دانند در بازنگری ... باید این جور مجازات ها را از قانون مجازات اسلامی خارج کنیم اما به چه دلیل؟ نه به دلیل نسخ. استنادا به حرف میرزای قمی که می گوید حدود مال زمان حضور امام معصوم است. در زمان غیبت، مجازات های تعزیری باید اجرا شود. مجلس و روان شناسان و جامعه شناسان می توانند بنشینند و مجازات های تعزیری را بسته به هر جرمی مشخص کنند. زندان، تبعید، جریمه و همین مجازات هایی که در تمام دنیا هم هست دیگر و اثرگذار است در مجرم است.



درباره ارث و دیه و تمام این مسائل من همه را از خود امام الهام گرفته ام. اگر امام زنده بود همه آنچه که من نوشته ام را قانون می کرد و خدمت بزرگی به اسلام می شد. ما در زمان امام هر چه که می نوشتیم ایشان نظر ما را می پذیرفت. آن همه تعریف را که بیخود از ما نکرده. امام بسیار "ملا" بود. خیلی زیرک بود و خیلی سرعت انتقال داشت و دلش برای اسلام می سوخت. همه چیزش را برای اسلام داد. ایشان غیر ما هست که همه چیز اسلام ، مفت و مجانی آمده برایمان.

مصلحت نمی دانیم یا مخمان نمی کشد. همین زن از محضر امام که بیرون آمد مردی را دید و برایش گفت که من چهار بار رفته ام و اقرار کرده ام تا مجازات شوم اما گفته اند چون بچه داری برو بچه ات را بزرگ کن و من نمی دانم چه کنم؟ مرد گفت خب بیا برویم من آنجا ضمانت می کنم که بچه ات را نگهداری کنم. این دو که با هم نزد امیرالمومنین رفتند امیرالمومنین فهمید که این مرد ناآگاه است . همه بدبختی هایی که می کشیم از ناآگاهی است. همه بدبختی ها از نکشیدن ها و نادانی هاست. متأسفانه نمی شود هم جامعه را آگاه کرد. در هیچ بعدی نمی شود جامعه را آگاه کرد. همه جا خط قرمز است . به هر حال این مرد به حضرت گفت که من ضامن می شوم. امیرالمومنین

آمده باشد .  
خب این هم که چندان قابل تشخیص نیست و لابد به علم قاضی بستگی دارد.  
خب بله نمی شود. هنوز فرهنگ بشر آنقدر بالا نرفته که مجرم آزادانه بیاورد اقرار کند. در آیین دادرسی گفته شده علم قاضی معتبر است و شاهد بر اینکه علم قاضی معتبر نیست هم همان حکایت زنی است که آمد پیش امیرالمومنین به زنا اقرار کرد و حضرت فرمودند ببینید این دیوانه نیست؟ عقلش درست است؟ و بعد هم که تحقیق شد که این زن در سلامت است، به او گفت برو یعنی هیچ اقدام تامینی هم نکرد. زن رفت و مدتی گذشت و دوباره آمد و گفت من زنا کرده ام من را مجازات کنید. باز امیرالمومنین گفت

حدود که می فرمایید شامل اعدام هم هست دیگر؟ اعدام را می گویند یا قصاص؟ اعدام هست. اعدام غیر حدودی داریم. مثلاً کسی در جامعه یک فسادی به راه انداخته است مواد مخدر وارد می کند و جوانان را از راه به در می کند. این آدم باید اعدام بشود چرا که مفسد است. شما هم نگویند اعدام اثری ندارد در کاهش جرم.  
پس پرتاب از کوه یا سنگسار که الان انجام می شود در زمان غیبت امام مجاز نیست؟  
خیر بر مبنای میرزای قمی مجاز نیست. از طرفی آیین دادرسی این امور کانه جوری گذاشته شده که هیچ گاه اثبات نشوند. اینکه چهار شاهد عادل با آن وضع بیابند ببینند و شهادت بدهند. چهار آدم متدین و



عصبانی شد و فرمود چرا ضامن این کار می شوی؟ صورتش برافروخته شد. چون علی (ع) می خواست این زن برود و دیگر نیاید. چون از این ستون به آن ستون فرج است. پس این جور عمل می شده است. یعنی امیرالمومنین با سه بار اقرار یقین پیدا نکردند؟ چرا یقین پیدا کردند اما در عین حال گفتند برو. پس معلوم می شود یقین قاضی در

سهمیه بنزینش تمام شد و نتوانست بیاید اسلام می گوید این سه شاهد را شلاق بزنید که این باب، بسته شود. لیس فی الحدود نذره الساعه. یعنی مهلت ندهید و بزنید اینها را تا این باب بسته شود. حالا تفاوت این را ببینید با کارهایی که ما می کنیم. نوار می گذاریم، ضبط می کنیم. شنود تلفنی می کنیم و نمی دانم هزار بازی درمی آوریم.

مثلا گفته می شود آقای شاهرودی بخشنامه داده اند که حکم سنگسار اخیر در تاکستان اجرا نشود اما کاربرد آن توجه به بخشنامه انجام شده...

حالا من از کسی اسم نمی برم. کسی داشت بحث می کرد و می گفت "النادر کالمعدوم" یعنی چیز نادر و کمیاب با نبودش فرقی نمی کند. رفتند گزارش

دیگر هم ثابت شد تعزیرش کنید تا فساد جامعه را نگیرد. مرحوم سید شفتی در اصفهان که از علمایی بوده که خیلی در اجرا و حدود کار می کرده و خودش هم حدود چندین نفر را با علم خودش اعدام کرده و کشته، می گوید اگر ما حدود را اجرا نکنیم مفسده به وجود می یابد. خب پاسخ این هم روشن است. اگر حرف میرزا را



حدود معتبر نیست. یا حتی اگر سه شاهد که هر سه بهترین آدم ها هم باشند برای شهادت بیایند، اگر از این گونه آدم ها که دیگر مولای درز عدالتشان نمی رود آمدند و شهادت دادند و چهارمی هم داشت می آمد و در راه تصادف کرد و مرد، دیگر حد را جاری نمی کنند بلکه این سه شاهد را شلاق می زنند. این شلاق هم شلاق افترا نیست که بعضی ها خیال کرده اند. بلکه شلاق جلوگیری از تضييع آبروی مردم است. اسلام نمی خواهد این مسائل فاش بشود چون اگر فاش شد ابهت گناه از بین می رود. حتی شاهد چهارمی اگر در ترافیک گیر کرد یا

درباره اجرای عجلانه احکام حدود هم فرمودید توضیح می دهید. بله. آن چیزی که شما می گوید هم باز جوابش همین است: "لیس فی الحدود نذره الساعه." بعد از ثبوت با این روشی که گفتم حد را دیگر نباید معطل کرد. من قبول ندارم این را که می گویند حالا تعطیلش می کنیم و بخشنامه می کنند. گیر ما سر ثبوت است. آن را باید حل کنیم. اینکه آقایان آمده اند می گویند بخشنامه می کنیم سنگسار نشود یابیه قاضی گفته بودیم که سنگسار نکند، اصلا غلط است. به نظر من اگر قانون را قبول کردید دیگر نمی شود معطل اش کنیم.

دادند که فلانی گفته شاه نابود باد و مرگ بر نادرشاه! اما آن بیچاره کی چنین چیزی گفت؟ این یک قاعده است... برای همین می گویم اسم افراد را نیاورید. حاج آقا ما هم بحثمان افراد نیستند. من دارم درباره بخشنامه هایی که گفته می شود رئیس قوه قضائیه در توقف حکم سنگسار صادر می کند می پرسم. بله نمی تواند. به نظر من با موازین فقهی نمی خواند. چون قانون اش وجود دارد. پس باید مشکل را ریشه ای حل کرد. بیایید آیین دادرسی راه اثبات را منحصر کنید و حالا اگر از راه های

بپذیریم؛ میرزا می گوید حدود را اجرا نکنید اما چه کنید؟ تعزیر کنید. برای اجرای حد دو راه بیشتر نیست که آن دو راه هم قابل تحقق نیست حالا اگر از راه های دیگر هم ثابت شد تعزیر کنید نه اجرای حد. مشکل این طوری حل می شود و آسمان هم به زمین نمی آید. قانونگذار بنویسد تا بر طبق قانون اساسی مشکل همه حل شود. اما خدا آقایان را خیر بدهد؛ آمده اند گره ای را که با دست می شود باز کرد با دندان باز می کنند. اگر قانون خداست دیگر چرا بخشنامه می کنید؟ وقتی قانون وجود دارد و می گوید اجرا کنید نمی توانید که با بخشنامه در برابر قانون بایستید. از

## شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن مراسم تلاوت قرآن و دعای افتتاح

طبق سنوات گذشته هر شب مراسم قرائت دعای افتتاح رأس ساعت ۹/۴۵ دقیقه در قم، دفتر حضرت آیت الله العظمی صانعی (مدظله العالی) برگزار می باشد. خیابان شهید محمد منتظری - کوچه هشتم - پلاک ۴ تلفن: ۰۱۰-۷۷۴۴۰۰۹-۷۷۴۴۶۷-۶۲-۷۸۳۱۶۶۰  
همچنین مراسمی در دفاتر معظم له نیز برقرار می باشد.

### دفتر تهران

سخنرانی همراه با دعای افتتاح هر شب دعای افتتاح: از ساعت ۲۷۴۵ الی ۳۰/۲۲ سخنرانی: از ساعت ۲۲ الی ۲۲۳۰

دهه اول: حجت الاسلام و المسلمین مصطفی قنبرپور دامت افاضاته

دهه دوم: حجت الاسلام و المسلمین محمد تقی خلجی دامت افاضاته

دهه سوم: حجت الاسلام و المسلمین محمود مروی حکیم دامت افاضاته

خیابان کارگر جنوبی - بین جمهوری و آذربایجان - کوچه کامیاب - پلاک ۱۷ تلفن: ۰۴-۶۶۵۶۴۰۰۰

### دفتر گرگان

قرائت و تفسیر قرآن هر شب ساعت ۲۷۳۰ گرگان، خیابان امام رضا، کوچه ۵ (محمدیه شریف موسوی) تلفن: ۰۲۳۳۳۲۶۰-۲۳۳۳۲۶۰-۱۷۱۰

### دفتر مشهد

مجلس سخنرانی و قرائت دعای افتتاح شبها از ساعت ۲۱ الی ۲۳

سخنران دهه اول: حجت الاسلام و المسلمین حاج علی عجم

خیابان آزادی - کوچه بینادل - پلاک ۱۶ تلفن: ۲۲۱۱۱۵۲-۲۲۲۲۲۷۷-۲۲۱۰۰۰۲

### دفتر اصفهان

جلسه تفسیر قرآن کریم هر شب ساعت ۱۰ اصفهان: خیابان عبدالرزاق - کوچه قصر - پلاک ۱۲۶ تلفن: ۴۴۸۷۶۶۲-۴۴۸۷۶۶۱-۴۴۸۷۶۶۰

### دفتر مازندران - ساری

سخنرانی - دعا هر شب از ساعت ۲۱ الی ۲۳ بلوار طالقانی (بخش ۸) نیش خیابان شهابی - ساختمان حافظ - طبقه دوم

تلفن: ۰۳۱۱۸۱۷۰-۳۱۱۸۱۸۰-۱۵۱

### دفتر اراک

قرائت دعای افتتاح از ساعت ۲۱/۳۰ الی ۲۲

و درس فقه، اخلاق از ساعت ۲۲ الی ۲۲/۳۰ خیابان ادبجو، مقابل مدرسه راهنمایی آیه اله

طالقانی (ره) تلفن: ۰۲۲۷۲۲۰۰-۲۲۷۲۳۰۰

پس بالاخره چکمه پوشیدن مصداق خودنمایی هست یا نه؟ چکمه چه ربطی دارد به این حرف ها؟ چکمه تبرج نیست. چکمه را می پوشند چون برف دارد می آید.

حالا حاج آقا با چکمه یا بدون چکمه، اگر زنان بخواهند برونند و مسابقات فوتبال را در ورزشگاه ها تماشا کنند به نظر شما ایرادی دارد؟

باز وارد مسائلی شدید که من نمی توانم درباره شان حرف بزنم.

به هر حال ما باید بدانیم این فعل از نظر حضرت تعالی به عنوان مرجع تقلید شیعیان اشکالی دارد یا نه؟ در این مورد من نمی توانم حرف بزنم.

درباره مشکل زنان هنرمندی که آواز می خوانند و محدودیت هایی که برایشان وجود دارد چطور؟

آواز خواندن زن فی نفسه حرام نیست اما اگر منشا تهییج و فسادبرانگیز باشد حرام است. و اگر نباشد؟

نه آن حرام نیست. مثلاً جلوی یک مشت پیرمرد، زنان بخوانند اشکالی ندارد. یا عده ای بیرون از محل آواز خواندن دارند گوش می دهند و اصلاً زنان آوازخوان را نمی بینند و تحریک و تهییجی نیست اما اگر عده ای جوان نشسته اند و زانی هم با حجاب اسلامی هستند که می خواهند بخوانند دیگر از جا به جا فرق می کند. حالا البته جوان داریم تا جوان و آواز هم داریم تا آواز. حکایت است که پدر به دخترش گفت چرا جلوی نامحرم رقصیدی؟ گفت مجبورم کرده بودند. پدر پرسید: مجبور کرده بودند که خوش رقصی هم بکنی؟

من وارد این بحث نمی شوم. نمی توانم.

چرا حاج آقا؟ برای اینکه امروز بحث حجاب زنان و مفاسد اجتماعی یک بحث سیاسی است. فایده ای هم ندارد صحبت من. چرا خیلی فایده دارد.

من فقط می گویم خودنمایی نباید کرد. چه زن و چه مرد. خودنمایی زن برای جلب توجه مردان حرام و خودنمایی مرد هم برای جلب توجه زنان حرام است. والسلام.

چرا حاج آقا؟ برای اینکه امروز بحث حجاب زنان و مفاسد اجتماعی یک بحث سیاسی است. فایده ای هم ندارد صحبت من. چرا خیلی فایده دارد.

من فقط می گویم خودنمایی نباید کرد. چه زن و چه مرد. خودنمایی زن برای جلب توجه مردان حرام و خودنمایی مرد هم برای جلب توجه زنان حرام است. والسلام.

## هیچ گاه دختران و

### زن امام پوشیه

### نداشتند، حتی

### زمانی که خیلی هم

### رایج بود. خود امام

### هم نوشته که چادر

### بهتر است.

حاج آقا من سوالات دیگری هم دارم و عذر می خواهم که خسته شدید ولی به هر حال ما هم تا قم آمده ایم که جواب سوالاتمان را از شما بگیریم. درباره پوشش زنان و نوع حجاب آنها حتما در جریان هستید که اخیراً سخت گیری های زیادی شده است. آیا اسلام بر نوع خاصی از پوشش تاکید دارد؟

هیچ جا در اسلام نوع خاصی از پوشش تاکید نشده است. شما نگاه کنید که خانم و دختران امام چه پوششی داشتند؟

هیچ گاه دختران و زن امام پوشیه نداشتند. حتی زمانی هم که خیلی رایج بود این خانم ها نداشتند. خود امام هم نوشته که چادر بهتر است اما هیچ گاه در اسلام چادر نیامده است.

علاوه بر بحث چادر تغییراتی هم در نوع پوشش زنان و مردان با تغییر فصل ایجاد می شود و در زمستان امسال این موضوع برای زنان در دوسر ساز شد. مثلاً اعلام کردند که به پا کردن "چکمه" برای زنان در حکم "تبرج" است و زنان حق ندارند چکمه بپوشند.

چه مانعی دارد؟ در زمستان چکمه می پوشند دیگر. در تابستان هم کلاه هایی سرشان می گذارند برای اینکه در آفتاب اذیت نشوند. چه اشکال دارد؟ تبرج اصلاً این حرف ها نیست. تبرج آرایشی است که ممکن است زنی بکند و نعوذ بالله بخواهد روسپی گری کند که حالا به آن وارد نمی شویم. لا تبرج لتبرج الجاهلیت الاولى اشاره دارد به خودنمایی کردن...

ریشه تبرج به لحاظ لغوی چیست؟ من وارد این بحث نمی شوم.

چرا حاج آقا؟ برای اینکه امروز بحث حجاب زنان و مفاسد اجتماعی یک بحث سیاسی است. فایده ای هم ندارد صحبت من. چرا خیلی فایده دارد.

من فقط می گویم خودنمایی نباید کرد. چه زن و چه مرد. خودنمایی زن برای جلب توجه مردان حرام و خودنمایی مرد هم برای جلب توجه زنان حرام است. والسلام.

چرا حاج آقا؟ برای اینکه امروز بحث حجاب زنان و مفاسد اجتماعی یک بحث سیاسی است. فایده ای هم ندارد صحبت من. چرا خیلی فایده دارد.

من فقط می گویم خودنمایی نباید کرد. چه زن و چه مرد. خودنمایی زن برای جلب توجه مردان حرام و خودنمایی مرد هم برای جلب توجه زنان حرام است. والسلام.

## هیچ گاه دختران و

### زن امام پوشیه

### نداشتند، حتی

### زمانی که خیلی هم

### رایج بود. خود امام

### هم نوشته که چادر

### بهتر است.

نظر دموکراسی و منطق قانونگذاری هیچ مقامی، حتی بالاترین مقام نمی تواند این کار را بکند. قانون را عوض کنید نه اینکه بگویید قاضی بیچاره در اجرا اشتباه کرده است. همیشه گناه را می اندازند گردن دیگران. کارها را پایین دستی ها می کنند و تعریف ها را بالادستی ها می برند. گناه های بالادستی های را هم می اندازیم گردن پایین دستی ها. اصلاً نظام حکومت های تمام دنیا همین است.

## مگر غیبت جایز هم داریم حاج آقا؟

اصلاً غیبت ها که همه اش جایز است! غیبت های حرام، حرام است. اصلاً غیبت استننا ندارد. غیبت این است که شما آبروی کسی را ببری یا از کسی انتقاد کنی برای غرض شخصی. اما مثلاً کسی به من ظلم کرده، من نگویم به من ظلم شده؟ پستی را گرفته و دارد خلاف می کند. من نگویم؟ من که نمی خواهم پستی بگیرم. من پست داشته ام رها کرده ام. بیست و چند مورد غیبت هست که استننا شده است. ریشه غیبت حسادت است که شما می خواهی خودت را جای کس دیگری بگذاری اما درباره گرفتاری خودمان و جامعه حرف بزنیم که غیبت نیست. مردم دارند از سرما می لرزند. البته ما که نمی لرزیم... جرات مگر می کنند؟

چند وقت پیش در همین متون نامه ای دیدم که آخوند خراسانی نوشته بود به مظفرالدین شاه. ببینید که چقدر آزادی بوده که شاه را خطاب کرده است که ای دشمن انسانیت! تو را قبول نداریم و آخوندهایی که با تو هماهنگ هستند و کلای شیطان هستند نه وکلای ملت و می گوید شما کسانی از محرمان خودت را فرستاده ای که به ما رشوه بدهند اما ما رفاه ملت را به هیچ چیز نمی فروشیم و طلاهای ملت را به خودت باز می گردانیم. حالا اینجا هم در قم بالاخره شبیه رشوه ای به ما می دهند دیگر.... (می خندد). به ما که نه البته. به آقایانی که مورد علاقه شان هستند. (خنده جمع)

چند وقت پیش در همین متون نامه ای دیدم که آخوند خراسانی نوشته بود به مظفرالدین شاه. ببینید که چقدر آزادی بوده که شاه را خطاب کرده است که ای دشمن انسانیت! تو را قبول نداریم و آخوندهایی که با تو هماهنگ هستند و کلای شیطان هستند نه وکلای ملت و می گوید شما کسانی از محرمان خودت را فرستاده ای که به ما رشوه بدهند اما ما رفاه ملت را به هیچ چیز نمی فروشیم و طلاهای ملت را به خودت باز می گردانیم. حالا اینجا هم در قم بالاخره شبیه رشوه ای به ما می دهند دیگر.... (می خندد). به ما که نه البته. به آقایانی که مورد علاقه شان هستند. (خنده جمع)

چند وقت پیش در همین متون نامه ای دیدم که آخوند خراسانی نوشته بود به مظفرالدین شاه. ببینید که چقدر آزادی بوده که شاه را خطاب کرده است که ای دشمن انسانیت! تو را قبول نداریم و آخوندهایی که با تو هماهنگ هستند و کلای شیطان هستند نه وکلای ملت و می گوید شما کسانی از محرمان خودت را فرستاده ای که به ما رشوه بدهند اما ما رفاه ملت را به هیچ چیز نمی فروشیم و طلاهای ملت را به خودت باز می گردانیم. حالا اینجا هم در قم بالاخره شبیه رشوه ای به ما می دهند دیگر.... (می خندد). به ما که نه البته. به آقایانی که مورد علاقه شان هستند. (خنده جمع)

چند وقت پیش در همین متون نامه ای دیدم که آخوند خراسانی نوشته بود به مظفرالدین شاه. ببینید که چقدر آزادی بوده که شاه را خطاب کرده است که ای دشمن انسانیت! تو را قبول نداریم و آخوندهایی که با تو هماهنگ هستند و کلای شیطان هستند نه وکلای ملت و می گوید شما کسانی از محرمان خودت را فرستاده ای که به ما رشوه بدهند اما ما رفاه ملت را به هیچ چیز نمی فروشیم و طلاهای ملت را به خودت باز می گردانیم. حالا اینجا هم در قم بالاخره شبیه رشوه ای به ما می دهند دیگر.... (می خندد). به ما که نه البته. به آقایانی که مورد علاقه شان هستند. (خنده جمع)

چند وقت پیش در همین متون نامه ای دیدم که آخوند خراسانی نوشته بود به مظفرالدین شاه. ببینید که چقدر آزادی بوده که شاه را خطاب کرده است که ای دشمن انسانیت! تو را قبول نداریم و آخوندهایی که با تو هماهنگ هستند و کلای شیطان هستند نه وکلای ملت و می گوید شما کسانی از محرمان خودت را فرستاده ای که به ما رشوه بدهند اما ما رفاه ملت را به هیچ چیز نمی فروشیم و طلاهای ملت را به خودت باز می گردانیم. حالا اینجا هم در قم بالاخره شبیه رشوه ای به ما می دهند دیگر.... (می خندد). به ما که نه البته. به آقایانی که مورد علاقه شان هستند. (خنده جمع)

چند وقت پیش در همین متون نامه ای دیدم که آخوند خراسانی نوشته بود به مظفرالدین شاه. ببینید که چقدر آزادی بوده که شاه را خطاب کرده است که ای دشمن انسانیت! تو را قبول نداریم و آخوندهایی که با تو هماهنگ هستند و کلای شیطان هستند نه وکلای ملت و می گوید شما کسانی از محرمان خودت را فرستاده ای که به ما رشوه بدهند اما ما رفاه ملت را به هیچ چیز نمی فروشیم و طلاهای ملت را به خودت باز می گردانیم. حالا اینجا هم در قم بالاخره شبیه رشوه ای به ما می دهند دیگر.... (می خندد). به ما که نه البته. به آقایانی که مورد علاقه شان هستند. (خنده جمع)

چند وقت پیش در همین متون نامه ای دیدم که آخوند خراسانی نوشته بود به مظفرالدین شاه. ببینید که چقدر آزادی بوده که شاه را خطاب کرده است که ای دشمن انسانیت! تو را قبول نداریم و آخوندهایی که با تو هماهنگ هستند و کلای شیطان هستند نه وکلای ملت و می گوید شما کسانی از محرمان خودت را فرستاده ای که به ما رشوه بدهند اما ما رفاه ملت را به هیچ چیز نمی فروشیم و طلاهای ملت را به خودت باز می گردانیم. حالا اینجا هم در قم بالاخره شبیه رشوه ای به ما می دهند دیگر.... (می خندد). به ما که نه البته. به آقایانی که مورد علاقه شان هستند. (خنده جمع)

چند وقت پیش در همین متون نامه ای دیدم که آخوند خراسانی نوشته بود به مظفرالدین شاه. ببینید که چقدر آزادی بوده که شاه را خطاب کرده است که ای دشمن انسانیت! تو را قبول نداریم و آخوندهایی که با تو هماهنگ هستند و کلای شیطان هستند نه وکلای ملت و می گوید شما کسانی از محرمان خودت را فرستاده ای که به ما رشوه بدهند اما ما رفاه ملت را به هیچ چیز نمی فروشیم و طلاهای ملت را به خودت باز می گردانیم. حالا اینجا هم در قم بالاخره شبیه رشوه ای به ما می دهند دیگر.... (می خندد). به ما که نه البته. به آقایانی که مورد علاقه شان هستند. (خنده جمع)

چند وقت پیش در همین متون نامه ای دیدم که آخوند خراسانی نوشته بود به مظفرالدین شاه. ببینید که چقدر آزادی بوده که شاه را خطاب کرده است که ای دشمن انسانیت! تو را قبول نداریم و آخوندهایی که با تو هماهنگ هستند و کلای شیطان هستند نه وکلای ملت و می گوید شما کسانی از محرمان خودت را فرستاده ای که به ما رشوه بدهند اما ما رفاه ملت را به هیچ چیز نمی فروشیم و طلاهای ملت را به خودت باز می گردانیم. حالا اینجا هم در قم بالاخره شبیه رشوه ای به ما می دهند دیگر.... (می خندد). به ما که نه البته. به آقایانی که مورد علاقه شان هستند. (خنده جمع)

چند وقت پیش در همین متون نامه ای دیدم که آخوند خراسانی نوشته بود به مظفرالدین شاه. ببینید که چقدر آزادی بوده که شاه را خطاب کرده است که ای دشمن انسانیت! تو را قبول نداریم و آخوندهایی که با تو هماهنگ هستند و کلای شیطان هستند نه وکلای ملت و می گوید شما کسانی از محرمان خودت را فرستاده ای که به ما رشوه بدهند اما ما رفاه ملت را به هیچ چیز نمی فروشیم و طلاهای ملت را به خودت باز می گردانیم. حالا اینجا هم در قم بالاخره شبیه رشوه ای به ما می دهند دیگر.... (می خندد). به ما که نه البته. به آقایانی که مورد علاقه شان هستند. (خنده جمع)

چند وقت پیش در همین متون نامه ای دیدم که آخوند خراسانی نوشته بود به مظفرالدین شاه. ببینید که چقدر آزادی بوده که شاه را خطاب کرده است که ای دشمن انسانیت! تو را قبول نداریم و آخوندهایی که با تو هماهنگ هستند و کلای شیطان هستند نه وکلای ملت و می گوید شما کسانی از محرمان خودت را فرستاده ای که به ما رشوه بدهند اما ما رفاه ملت را به هیچ چیز نمی فروشیم و طلاهای ملت را به خودت باز می گردانیم. حالا اینجا هم در قم بالاخره شبیه رشوه ای به ما می دهند دیگر.... (می خندد). به ما که نه البته. به آقایانی که مورد علاقه شان هستند. (خنده جمع)

چند وقت پیش در همین متون نامه ای دیدم که آخوند خراسانی نوشته بود به مظفرالدین شاه. ببینید که چقدر آزادی بوده که شاه را خطاب کرده است که ای دشمن انسانیت! تو را قبول نداریم و آخوندهایی که با تو هماهنگ هستند و کلای شیطان هستند نه وکلای ملت و می گوید شما کسانی از محرمان خودت را فرستاده ای که به ما رشوه بدهند اما ما رفاه ملت را به هیچ چیز نمی فروشیم و طلاهای ملت را به خودت باز می گردانیم. حالا اینجا هم در قم بالاخره شبیه رشوه ای به ما می دهند دیگر.... (می خندد). به ما که نه البته. به آقایانی که مورد علاقه شان هستند. (خنده جمع)



با تشکر از همه شما آقایان که تشریف آوردید و امیدوارم که بتوانیم سخنی بگوییم که برای خود بنده درس باشد و برای دیگران ان شاء الله تذکر و یادآوری. امتیاز امام سلام الله علیه در درسش این بود که نظر به حرف همه بزرگان به نحو فشرده و اقتصار داشت و باتوجه به مطالب و مبانی آنها خودش مبنای انتخاب می کرد، نتیجتاً فقه ایشان یک فقه شاذ و نادر نبود؛ چون با توجه به مبانی دیگران بود اما ابتکاری و بدیع بود، برای این که از بین آنها مطلبی را ابتکار می کرد و بیرون می آورد.

مسأله اخیری که در ذهنم هست که عرض کنم این است که در زمان رهبری ایشان بود این است که ایشان راجع به منابع زیرزمینی که مثلاً اگر کسی خانه ای دارد که در عمق ۴۰ متری آن یک منبع نفتی در آمد، ایشان فرمودند که این منبع نفت از آن حکومت است نه از آن شخص، و با همان روش استدلال صاحب جواهری به قول خودش فرمود این که می گویند عمق و ارتفاع زمین ملک صاحب زمین است یک بنای عقلایی است و عقلاً بنا را در ملکیت بر این گذاشته اند که کسی که مالک زمینی شد مالک ارتفاع و عمقش هم هست. این بنای عقلاً همچنان که در ارتفاعات غیرمفید و منتج برای صاحب زمین نیست در بعض چیزهایی که در عمق است، نمی باشد کسی که مالک خانه ای است نمی تواند بگوید من چهل هزار پا بالای هوای خانه را هم مالکم و کسی حق تصرف ندارد چون عقلاً ملک او نمی بینند و ملک حکومتها می بینند که می گویند هوایماها می توانند حرکت کنند یا نه، فرمود در مسأله نفت هم همین طور است عقلاً اگر زیر خانه ای چاه نفت درآمد نمی گویند این ثروت کلان مال اوست بلکه می گویند مال حکومت است. و با همان بیان ساده می بینیم ایشان وارد می شود و فتوی می دهد یا نمونه روشنترش که امام در مورد شطرنج نظری داد که در فقه داشتند مطرح نمودند بعضی از آقایان نامه نوشتند و اعتراض کردند اما امام خیلی زیبا انگشت گذاشت روی بزنگاه قضیه و فرمود شما به من می گویند که چرا می گویم اگر شطرنج از آلیت قمار افتاد بازی سرگرمی مانعی ندارد، در حالتی که آسیداحمد خوانساری که در تقوی چنین و چنان بوده می گوید اگر با شطرنج درحالی که وسیله قمار است بازی سرگرمی بکنید مانعی ندارد، چه برسد که به من می گویند. قشنگ به سراغ آسیداحمد خوانساری می رود و از دقت او استفاده می کند و بعد هم جواب می دهد.

امام در درس ها و مباحث این طرز بود که توجه به همه ابعاد داشت. یاد است وقتی که راجع به غنا می خواست صحبت کند - خوب مرحوم فیض حرمت غنا را حرمت محتوایی می داند نه حرمت کیفی و صوتی، می گوید اگر غنا دارای محتوای باطل و انحراف آفرین باشد حرام است و مرتکب غنا مرتکب دو حرام شده است؛ یکی این که بد خوانده و یکی این که مطلب بد داشته اما اگر محتوا باطل نباشد ایشان می فرمود مرحوم فیض می فرماید حرام نیست - ایشان وقتی وارد بحث غنا شد اول این بحث را مطرح کرد که نباید به کسانی را که صاحب نظر هستند و نظریه شان را نپذیرفتیم، تکفیر کنیم و به آنها بد بگوییم این در بحث فکری و علمی درست نیست. بعد امام فرمود چرا یک مقداری به فیض بی انصافی شده؟ فیض وقتی قایل به

حرمت محتوایی غنا شد به او چنین و چنان فرمودند درحالی که حرف او ثبوتاً اشکالی ندارد یعنی اگر فقیهی بگوید: اگر محتوای غنا باطل باشد دو تا کتک دارد و اگر باطل نیست کتک ندارد کجای این خلاف اسلام است؟ کجایش خلاف قرآن است؟ یک مقداری از فیض تعریف کرد و بعد خودشان وارد بحث شدند - من بحث های امام را می

**امام در درس ها و مباحث  
توجه به همه ابعاد داشت.  
یادم است وقتی که راجع  
به غنا می خواست  
صحبت کند، اول این  
بحث را مطرح کرد که  
نباید کسانی را که صاحب  
نظر هستند و نظریه شان را  
نپذیرفتیم، تکفیر کنیم و به  
آنها بد بگوییم**

بیانات حضرت آیت الله العظمی صانعی

# فقه و حق

THE BIOGRAPHY  
OF THE  
GRAND  
AYATOLLAH SAANEI

WWW.Saanei.org  
WWW.feqh.org  
E-mail: feqh@feqh.org



مؤسسه فرهنگی - هنری  
Feqh-ul-saqalain  
Institute of art and culture

آرام - خیابان شهید محمد منتظری  
کوچه ۸ / پلاک ۸  
تلفن: ۰۲۵۱-۷۸۳۸۰۰۲  
دورنگار: ۰۲۵۱-۷۸۳۸۰۰۲  
مشاور: ۰۲۵۱-۶۷۷-۳۷۱۸۵

بعضی هایش قایل باور نباشد یا سخت باور بشود اما واقعش این است که برای جامعه امروز ما مفید است و می گردد بروم بزنگاه هایش را پیدا کنم. بحثی که حالا بد نیست در این فرصت عرض کنم این است که بنده معتقدم یکی از چیزهایی که در فقه ما زیربنای یک سری قوانین شده است و امروز یک مشکلاتی آفریده است، اختلافاتی است که در حقوق افراد در یک ملت وجود دارد. شما الان طبق قوانین مدنی و جزایی دیروز بین حقوق آن عده از افرادی که مسلمان نیستند، یعنی شناسنامه اسلامی ندارند با عده ای که شناسنامه اسلامی دارند تفاوت می بینید. مواردی چه در قوانین مدنی چه در جزایی وجود دارد که حتی آن موقع که در شورای نگهبان بودم این عقیده را داشتم و این تفاوت ها را قبول می کردم که در امور استخدامی یک سری تفاوت ها وجود دارد اما وقتی برمی گردیم و با فکر و امتیاز در فقه برویم، تمام این اشکالات رفع می شود منتهی چطور رفع می شود؟ پاسخ آن یک کلمه است و آن این که ما در اسلام دو عنوان داریم: یکی عنوان کافر و

نوشتم - یاد است درس غنای ایشان را که مطالعه می کردم، ۲۲ قول در تفسیر غنا نقل کردند که شب که در کتابخانه فرضیه که کتاب در اختیارمان بود به ۲۹ قول رساندم؛ چون ما آن زمانی که درس امام می رفتیم مخصوصاً وقتی مدرسه فرضیه بودیم تا ۷ ساعت از شب رفته مطالعه می کردم. بارها گفته ام که اگر کسی امام را در امتیازات فقهی بشناسد باید در امتیازات مسائل سیاست و انقلاب بشناسد که چگونه وارد می شد و چگونه خارج. چگونه محیط بود بر همه مسائل و چگونه ابداع می کرد در آنها و بزرگترین خدمت ایشان به فقه همین است که کر و فر در مسائل را یاد داد مخصوصاً با این فتوای اخیرشان که بعضی هایش مورد اشکال قرار گرفت و امام فرمودند که ما باید روی این مسائل فکر کنیم و حوزه های علمیه فدایی می خواهد. بنده چون تنها درسی که به آن عنایت داشتم، درس ایشان بود با لطف خدا آن رموز کر و فر را از ایشان گرفته ام؛ لذا الان نظریاتی که می دهم در عین این که از جواهر و از مکاسب گرفته شده و فقه صاحب جواهری است، اما دارای یک امتیاز و ویژگی است و ممکن است

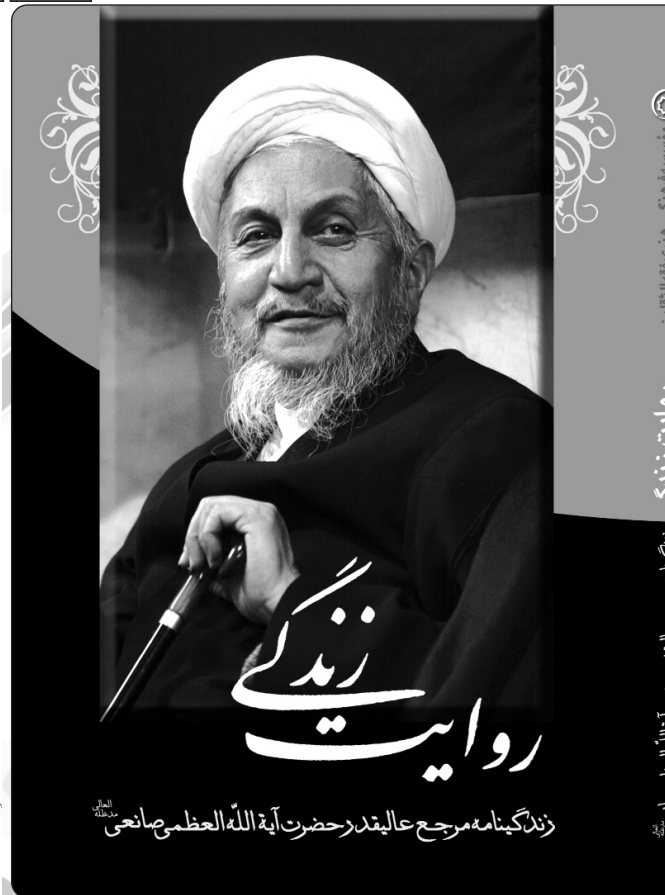


# وق بشر

پست را داد یا فقها در مکاسب و کتاب البیع می آیند بحث می کنند که آیا می شود غیرمسلمان، وکیل مسلمان بشود یا نه؟ آیا غیرمسلمان می تواند مالک مسلمان بشود یا نه؟ این فقهای بعدی - فقهای قبلی متون آیات را و روایات را توجه داشتند - مثل ابن ادریس و علامه به بعد غیرمسلم و کافر را فرق نمی گذارند

فقه، یک عالم می توانیم اثر بگذاریم هم آن موازین فقهی حفظ شده است، اثر هم می توانیم بگذاریم. اشکالی که در حقوق بشر به ما می کنند یا دیگران هم که اشکال می کنند نمی گویم چون آنها اشکال می کنند چون خود شخص هم برایش مشکل است می گوید از این آدم مالیات می گیری خانه و ناموسش محترم است زندگی اش محترم است اما چون شناسنامه اش غیرمسلمان است و آن که شناسنامه اش مسلمان است در حقوق مدنی و جزایی با هم فرق دارند، چون که اسلام آمده برای کافر چنین و چنان قرار داده. و وقتی برگردیم به متون فتاوی اصحاب، کسانی که به اعصار ائمه نزدیک بودند، بسیاری از این مطالب را می توانیم پیدا کنیم. من در اینجا به سراغ میرزای قمی رفتم، دیدم باید پشتوانه این حرف را حرف میرزا قرار داد همان طور که امام به سراغ حرف آسید احمد خوانساری رفت، و باز به قبل از او مراجعه کردم دیدم در باب ارث در کتب فقهی ما هست و کسانی که به فقه اسلامی و قانون مدنی ما آشنا باشند می دانند که کافر از مسلم ارث نمی برد. درست است روایات هم دارد و اگر مسلمی از دنیا رفت و نوه عمویش مسلمان است، ارث را به او می دهیم اما به بیجه های خودش که کافرند نمی دهیم. درست است اما کافر، نه غیرمسلمان. مرحوم صدوق با همه تعبدش و تنسکی که داشته در اول کتاب الارثش که مطرح می کند، می گوید کفار را ارث نمی دهیم عقوبتاً لا اعتقادهم، عقوبت در مقصر معنی می دهد نه در قاصر. این بیجه ای که شناسنامه اش غیرمسلمان گرفته شده، حالا که بزرگ شده غیرمسلمان است کاری هم به کار کسی ندارد و با ما دشمنی نمی کند. دارد زندگی می کند و عقیده خودش را هم حق می داند و با عقیده ما هم کاری ندارد و با ما دشمنی نمی کند، بیاییم از ارث محروم کنیم عقوبتاً لا اعتقادهم؟ خوب معلوم است که صدوق این معنی را می فهمیده که این مربوط به کفر است، نه مربوط به غیراسلام. می توانیم به مقدار زیاد، راهی را در اسلام باز کنیم، چه مانعی دارد که ما به اسلام جاذبه بدهیم؟

**یکی از چیزهایی که در فقه ما زیربنای یک سری قوانین شده است و امروز یک مشکلاتی آفریده است، اختلافاتی است که در حقوق افراد در یک ملت وجود دارد. شما الان طبق قوانین مدنی و جزایی دیروز بین حقوق آن عده از افرادی که مسلمان نیستند، یعنی شناسنامه اسلامی ندارند با عده ای که شناسنامه اسلامی دارند تفاوت می بینید. اما وقتی برمی گردیم و با فکر و امتیاز در فقه فرو برویم، تمام این اشکالات رفع می شود**



زندگینامه مرجع عالیقدر حضرت آية الله العظمى صانعی

و می گویند: ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً درحالی که اگر این آیات را مربوط به آخرت ندانیم و مربوط به دنیا بدانیم، برای کافر سلطه قرار نداده و درست هم هست، برای کسی که دشمنی می کند نمی شود سلطه قرار داد و کسی که می داند اسلام حق است و پرده روی آن می گذارد و می پوشاند کافر است ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً این ها نمی توانند مسلط بشوند وکیل بشوند نمی توانند مالک شوند اما نمی توانیم این آیه را دلیل بیاوریم بر این که غیرمسلم نمی تواند مسلم را بخرد در بحث عبید و اماء، یا وکیل مسلم بشود یا فرضاً فرماندهی بشود که مسلمان ها زیر دستش هستند و طبق مقررات عمل کند، فرض بشود که سرگردی بشود که بقیه زیر دستش عمل کنند. من در شورای نگهبان هم مبنایم همین بود تا مطرح بشود بگویم ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً درحالی که این ها که کافر نیستند، این ها غیرمسلمند. اگر تمام آیات را ورق بزیند کفر همیشه همراه با عذاب است خوب اگر این زیربنا را آوریم در

دیگری غیرمسلمان. کافر احکامش جداست از مسلمان اما غیرمسلمان را دلیلی نداریم که احکامش جدای از مسلمانان باشد اگر تمام آیات قرآن را ورق بزیند می بینید که کافر آمده و حکم و بدی روی کافر آمده روی غیرمسلمان نیامده است، و ملت هایی که در اقلیتند و تحت یک حکومت اسلامی زندگی می کنند، توده آنها غیرمسلمانند؛ یعنی توده آن ها قاصرند بیش از این مغزش کشش ندارد، دین خود را حق می داند و دین دیگر را باطل، نه این که اسلام را حق می داند و بآن دشمنی می کند، ما رفتیم سراغ کفر و این که بینیم کس دیگری هم این حرف را زده است که بین کافر و غیرمسلمان فرق است یا نه؟ که دیدیم میرزای قمی در جلد دوم قوانین به این مطلب تصریح کرده است که کفار احکامشان فرق دارد و مقصرتند. الکفر بمعنی الستر. کافر یعنی کسی که حق را می پوشاند، می داند که اسلام حق است ولی در عین حال می پوشاند این ها بله اگر شما می بینید ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً می آید استفاده می کنید که به غیر مسلمان نباید فلان

امام در همه چیزش نظم داشت در فقهش نظم داشت اولین کتابی که حاشیه زد، وسیله آسید الوالحسن است؛ چون وسیله، کل فقه است به عکس این که کتابی را که الان فقها حاشیه می کنند، عروه آسید محمد کاظم است اما عروه ناقص است و اولاً همه کتب فقهی نیست و ثانیاً یک سری فروعی دارد که مورد ابتلا نیست؛ مثلاً ۵۰ فروع در علم اجمالی دارد که شاید ده تایش مورد ابتلای یک نفر در ده سال نشود، ولی وسیله این گونه نیست، هم فروع مورد ابتلا دارد و کم است و هم کل کتب فقهی را تقریباً دارد به استثنای دفاع و جهاد و حدود و دیات که امام در تحریر الوسیله به آن اضافه کرده است اول به آن حاشیه زده و بعد عروه را. شما کمتر فقیه و مرجع تقلیدی را پیدا می کنید که قبل از رسیدن به مرجعیت به ارث حاج ملا هاشم حاشیه زده باشد. کتاب ارث خوبی است به فارسی امام خیلی سابق آن را حاشیه زده که مورد ابتلاست که حالا که در وسیله نیست آنجا را حاشیه زده است وهلم جراً بعد عروه را حاشیه زده و بعد رساله نوشته است.

**این مطلب ادامه دارد**



بحث کردن با بعضی آدم‌ها چنان دشوار است که جان را به لب می‌رساند، کسانی که جز آنچه خود می‌پندارند و به زبان می‌آورند نه تنها چیزی را قبول نمی‌کنند که حتی آن را انکار می‌کنند. مخاطب این سطور اگر جزو آن دسته از کسانی است که می‌پندارد چون حکومت اسلامی برپاست پس هیچ جرم و جنایتی هم در جامعه اتفاق نمی‌افتد، بحث زیر را بحثی انتزاعی تلقی کند که در برابر استدلال‌های پر قدرت آنها، حقیر که در بیست تسلیم است و پیشاپیش مغلوب.

امکان ندارد به اولین شخصی که می‌رسی یاد گذشته‌های نه چندان دور نکند و از نامرادی‌ها نگوید؛ از بد شدن مردم، از دست رفتن راستی و درستی، کم‌رنگ شدن برادری و از حاکم شدن دروغ و دغل در مناسبات اجتماعی سخن به میان نیورد و گلايه نکند از شرایطی که در آن برادر نه تنها به فکر برادر نیست که به او هم رحم نمی‌کند و اگر پای منافع مادی به میان آید که وضع صد چندان بدتر خواهد شد.

از او که بگذری و اندک حضوری که در جامعه داشته باشی خودت اینها را می‌بینی و علاوه بر آن اختلاف و بدبینی و توهم داشتن افراد نسبت به یکدیگر را حس می‌کنی. همانطور که قدم برداری انسان‌هایی عصبی را می‌بینی که سر کوچکترین مسئله‌ای به هم می‌پزند. فشارهای روزمره زندگی در کنار آثار روانی شوم جنگ از آنها افرادی ساخته که خشونت را اولین و آخرین راه تلقی می‌کنند، این همه دعوا و زد و خورد که در کوچه و خیابان اتفاق می‌افتد و بعضی از آنها منجر به قتل می‌شود گواه این مسئله است که قتل به خاطر جای پارک، صدای زنگ موبایل و... از نمونه‌های آن است.

تا اینجا تبعضی بین باسواد و بی‌سواد نبود همه می‌توانستند با چشم خود ببینند و با گوش خود بشنوند و یا با تمام وجود آن را درک کنند. اما اگر روزنامه خوان باشی و گاهی هم به اخبار حوادث بیندازی جراثمی چون سرقت، کلاهبرداری، تجاوز به عنف، رابطه پنهانی بین افراد متاهل و قتل کم نیست. تعداد پرونده‌های ورودی به محاکم دادگستری چنان زیاد شده که صدای مسئولین قضایی را نیز درآورده؛ هشت میلیون پرونده که به جز اندکی که مدعی العموم طرف مقابل است، بقیه حداقل دو نفر شاکی و متهم دارد یعنی حداقل ۱۶ میلیون نفر درگیر پرونده هستند. جدای از این طرفین اختلاف زیادی هستند که برای اینکه کار به دادگستری نکشد اختلاف را در حالی که دل چرکین هستند تمام می‌کنند. حال فرض کنی از این تعداد که نزدیک به یک چهارم جمعیت کشور را در بر می‌گیرد چند نفر آدم آشنا به قانون پیدا شوند و ظرفیت‌های قانونی انتقام گرفتن را به سایرین هم یادآور شوند، به چه سرعتی می‌تواند ظرفیتی مثل قتل قانونی گسترش پیدا کند. کسانی که از طولانی بودن روند دادرسی و احیاناً غیر عادلانه پنداشتن آن خسته شده‌اند و احیاناً از طرف مقابل هم کینه به دل گرفته‌اند آسان‌ترین راه را انتخاب می‌کنند: طرف اختلاف را می‌کشند و آن را خون هدر معرفی می‌کنند و از مجازات می‌رهند. جدای از این به رسمیت شناختن قتل مهدورالدم راه تسویه حساب در جامعه را باز می‌کند. دیگر همین مقدار امنیت هم نخواهد بود. کسی که



## قانونی کردن قتل

حامد متقی

**در بحث مهدورالدم و به رسمیت نشناختن قابل قتل بودن انسان به دست دیگری آیت الله صانعی از نظر شرعی خون هیچ انسانی نزد انسان دیگر را هدر نمی‌داند و معتقد است جایی که قانون حاکم است نباید اجازه داد هر کس خود تبدیل به قاضی و مجری حکم شود.**

از قیافه ات خوشش نیاید تو را می‌کشد و می‌گوید مثلاً سب‌النبی کردی، کسی که کوچکترین اختلافی با تو دارد و یا به تو حسادت می‌کند می‌تواند تو را بکشد و بگوید به خدا فحش داده یا دین را انکار کرده و مرتد شده بود. هر مردی می‌تواند زنتش را بکشد و بگوید زانیه محصنه بوده و هر زنی نیز مردش را بکشد و بگوید زنا کار بوده و مهدورالدم است. پس از تجاوز به عنف به پسران و دختران به راحتی می‌تواند آنها را بکشد و بگوید آنها مهدورالدم بوده‌اند، به همین راحتی.

حتی اگر همه اینها خیالات و توهمات ذهنی باشد اما قانون باید چنان غیر قابل انعطاف باشد که جلوی هر گونه سوء استفاده را بگیرد و قرار دادن بحث ارتداد و مهدورالدم در لایحه قانون مجازات اسلامی چنین چیزی را نشان نمی‌دهد.

ماده ۱۱-۳۱۳ این لایحه چنین می‌گوید: کشتن کسی به صرف اعتقاد به مهدورالدم بودن یا مستحق قصاص بودن وی بدون مجوز مراجع صالح قضایی ممنوع است و مرتکب مجرم شناخته می‌شود و چنانچه طبق موازین در

دادگاه ثابت شود که قاتل بر اساس چنین اعتقادی، مرتکب قتل شده است، اگر مهدورالدم بودن مقتول ثابت نشود، قاتل به حبس تعزیری از سه تا پنج سال و پرداخت دیه محکوم می‌شود و اگر مهدورالدم بودن مجنی علیه ثابت شود به مجازات مذکور در ماده ۳۱۳-۱ این قانون محکوم می‌شود. چنانچه ثابت نشود که قاتل بر اساس چنین اعتقادی، مرتکب قتل شده، محکوم به قصاص می‌شود. نویسندگان لایحه اگر چه خواسته‌اند به لحاظ حقوقی و شرعی به این موضوعات بپردازند اما نگاهشان محدود به همین زاویه دید بوده و از کنار فجایع و سوء استفاده‌هایی که در پس این قانون صورت می‌گیرد، به آسانی گذشته‌اند. اگر چه بحث ارتداد از نظر شرع نیز حکمی قطعی و ضروری نیست، به طوری که حداقل بعضی مراجع چون آیت الله منتظری و آیت الله صانعی تغییر دین و آیین را به خودی خود منجر به اجرای احکام ارتداد نمی‌دانند و شرایط بسیار سختی را برای اجرای این حکم تعیین نموده‌اند که اثبات آن را حتی برای محاکم قضایی عملاً غیر ممکن می‌گرداند. جدای از این در بحث مهدورالدم و به رسمیت نشناختن قابل قتل بودن انسان به دست دیگری آیت الله صانعی از نظر شرعی خون هیچ انسانی نزد انسان دیگر را هدر نمی‌داند و معتقد است جایی که قانون حاکم است و محکمه وجود دارد نباید اجازه داد هر کس خود تبدیل شود به قاضی و مجری حکم.

از تنظیم کنندگان لایحه قانون مجازات اسلامی از یک سو و نمایندگان مجلس به عنوان قانونگذار انتظار می‌رود در چنین مواردی تجدید نظر کنند چرا که سوء استفاده از آن می‌تواند چالشی در برابر امنیت موجود و نظام حاکم ایجاد کند و نظم حاکم بر کشور را با خطر جدی مواجه سازد و مهم‌تر از همه جان انسان‌های زیادی را به خطر اندازد.

گفت و گو با روحانی فعال در عرصه ترویج احکام:

# مردم باید آگاه باشند



سال‌ها فعالیت حجت الاسلام فلاح زاده در زمینه ترویج احکام و استقبال قشرهای مختلف از برنامه هایش، نام روحانی فعال را با موضوع احکام عجین کرده است. مسئول ستاد ترویج احکام طی گفت‌وگوی صمیمی با خبرنگار مرکز خبر حوزه، تنها به بخشی از فعالیت‌های انجام گرفته در این عرصه اشاره کرد. قسمت اول این گفتگو تقدیم می‌شود:

**فقه و احکام از چه جایگاهی در حوزه‌های علمیه برخوردار بوده است؟**  
آیه نفر در سوره توبه دو رسالت عمده حوزه‌های علمیه یعنی تفقه در دین و ابلاغ و انذار را بیان فرموده است و برخی گفته‌اند که صدر آیه مقدمه ذیل آن است. الحمدلله حوزه‌های علمیه در طول تاریخ در بحث تفقه در دین فعال بوده‌اند و شاداب‌ترین و پرجمعیت‌ترین درس‌ها، درس فقه و اصول بوده است که اصول هم مقدمه و ابزار استنباط فقه و احکام دینی است.

همچنین با مطالعه تاریخ حوزه‌های علمیه در می‌یابیم که با وجود فراز و نشیب‌های متفاوت در دیگر رشته‌های علوم حوزوی، فقه همواره مورد توجه بوده است و علمای تشیع، مطالعه و تحقیقات در این زمینه را به عنوان رسالت اصلی خود تلقی می‌کرده‌اند. **آیا حوزه‌ها به رسالت دیگر خود یعنی ابلاغ و انذار هم به همین میزان توجه داشته‌اند؟**

نمی‌توان گفت که کاری انجام نشده است اما با پیشرفت علوم مختلف و تغییر مصادیق فقهی، روز به روز باید شیوه تبلیغ و اطلاع‌رسانی نیز تغییر کند. **آیا اینکه می‌فرمایید، به معنای تغییر فقه است؟**

خیر، به معنای تغییر در روش تبلیغ است. شاید پیشرفت ما در سال‌های اخیر از شتاب مناسبی برخوردار نبوده است و پا به پای رسالت تفقه در دین، پیش نرفته‌ایم و کار نکرده‌ایم هر چند در همین حوزه استنباط هم برخی نواقص وجود دارد.

**چه نواقصی؟**

به صورت مکرر به برخی موضوعات پرداخته می‌شود در حالی که از برخی موضوعات دیگر باز مانده‌ایم. مثل چه موضوعاتی؟

مثلاً با مراجعه به متون فقهی می‌بینیم که فقها مکرر به مباحث طهارت، صلوة، صوم، زکات و خمس پرداخته‌اند و فروع آن را استخراج کرده‌اند اما بسیاری از موضوعات هست که یا به آن پرداخته نشده یا کم پرداخته شده است. **حوزه چقدر در انتقال احکام به مردم مسئولیت دارد؟**

ببینید یک بخشی از آن چه در حوزه آموخته می‌شود برای انتقال به نسل‌های آینده در حوزه است که این کار در حال انجام است ولی بخش دیگر برای انتقال به مردم است که طبق اعتقاد ما همه مکلفند و حتی غیر مسلمان هم باید به این احکام عمل کنند پس باید مردم را با این احکام آشنا کنیم چون احکام دینی و مسایل فقهی، وظیفه آنها در تمام اعمال فردی و اجتماعی است و به ویژه باید موضوعات جدیدی را که زمانه پیش آورده است مشخص کنیم.

**روحانیون برای موفقیت در این عرصه به چه آگاهی‌هایی نیاز دارند؟**

باید در سه محور شناخت فقه و احکام دینی، شناخت موضوعات و قدرت احکام بر موضوعات تخصص داشته باشیم.

**قدرت تطبیق که فرمودید چه اهمیتی دارد؟**

الان ما فضلالی بسیاری در حوزه داریم که الحمدلله در درس و بحث موفق هستند ولی وقتی تبلیغ می‌روند خودشان

می‌گویند که توان پاسخ‌گویی به برخی مسایل و احکام را ندارند. خب علت این امر یا عدم آشنایی با مصادیق جدید یا نداشتن قدرت تطبیق احکام بر موضوعات و این از اهمیت بالایی برخوردار است.

**تاریخچه راه‌اندازی مرکزی برای بررسی تخصصی مباحث مربوط به احکام به چه زمانی برمی‌گردد؟**

سال‌ها راه‌اندازی جایی، برای ساماندهی و سازماندهی ترویج احکام در فکر این فقیر و تعدادی از دوستان بود تا به واسطه آن افراد علاقه‌مند در حوزه با مصادیق فقهی آشنا تر شده و قدرت تطبیق احکام بر مصادیق تقویت شود و همچنین شیوه‌های نوین بیان احکام را آموزش دهیم.

گاهی برخی دوستان می‌گفتند که نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر و امثال اینها بخشی از فقه است و هر کدام ستاد و مرکزی مخصوص به خود دارند اما خود احکام، هیچ ستاد و مرکزی ندارد تا بتواند مسایل فقهی را که با تلاش فقها در طول تاریخ به این مرحله رسیده است به مردم منتقل کنند.

از همین رو در آغاز یک حرکت اجمالی انجام شد و بنا شد گام اول، شناخت موضوعات احکام باشد و لذا مجموعه‌ای بنام مرکز موضوع‌شناسی احکام دین در پژوهشکده باقرالعلوم شکل گرفت.

**چند سال پیش؟**  
حدود ۴ سال

**فعالیت‌های آن مرکز چه بود؟**

فهرستی از موضوعات فقهی اعم از مستنبطه و غیر مستنبطه تهیه کردیم. و موضوعات غیر مستنبطه را به ثابت و متغیر تقسیم بندی کردیم. چون برخی موضوعات است که باید روز به روز به آن پرداخت. شما ببینید طلا فروش‌ها روز به روز قیمت می‌گیرند و ما هم در خصوص درهم و دینار باید این را بکنیم چون برخی موضوعات فقهی همچون لقطه، مهریه و دیه به این قیمت‌ها وابسته است و مردم می‌خواهند به احکام عمل کنند. و این کار، کار حوزه است ما نباید توقع داشته باشیم که اصناف و مراکز دیگر این کارها را برای ما انجام دهند یا مثلاً در خصوص غذاهای حلال و حرام، کلیاتی را در فقه خوانده‌ایم اما امروزه صدها هزار نوع حیوان بری و بحری کشف شده‌اند که باید جایی برای بررسی حرمت یا حلیت آنها وجود داشته باشد و با یک جواب کلی که اگر پولک داشته باشد حلال و اگر نداشته باشد حرام است، وظیفه مردم مشخص نمی‌شود.

یا در بحث مبطلات روزه به عنوان مثال باید حکم استعمال اسپری‌ها که افراد دارای آسم و تنگی نفس استفاده می‌کنند بررسی شود و صرف اینکه حکم کلی را بگوئیم کفایت نمی‌کند.

**یعنی می‌فرمایید که در شرایط کنونی فقه باید موضوع‌شناسی بکنند؟**

بله باید بشود. گر چه گفته‌اند که تشخیص موضوع در شأن فقیه نیست اما این در مقام استنباط احکام است در حالی که در مقام ابلاغ در رساله‌های عملیه تعیین موضع شده است. مثلاً در بحث مسافر در رساله‌های قدیمی و فعلی به شغل‌هایی که باید نماز در سفر

**طبق اعتقاد ما همه مکلفند و باید به این احکام عمل کنند**

**پس باید مردم را با این احکام آشنا کنیم چون احکام**

**دینی و مسایل فقهی، وظیفه آنها در تمام اعمال فردی و**

**اجتماعی است و به ویژه باید موضوعات جدیدی را که**

**زمانه پیش آورده است مشخص کنیم.**



تمام خواننده شود اشاره شده است.  
**آیا شناخت تمام موضوعات فقهی امکان پذیر است؟**

باید موضوعات تا آنجایی که ممکن است مشخص شود تا وظیفه مردم معین گردد. و امروزه زمانی نیست که با این اگرها بتوانیم پاسخ دهیم. مثلاً در باب الکل، مشروط به مسکر بودن یا نبودنش می کنیم، خب چه اشکالی دارد که مرکزی حوزوی در تعامل با متخصصان اینها را مشخص کند. مدت ها یک موضوعی در جامعه مطرح است که با همین اگرها پاسخ داده می شود و بعداً معلوم می شود که حکم آن چیست.

**مثل چه موضوعی؟**

مثلاً ذبیح با استیل، مدت ها می گفتند که اگر آهن باشد، اشکال ندارد و اگر نباشد، اشکال دارد.

خب متخصصان آمدند،

شرکت فولاد آمد رسماً

نوشت که استیل، نوعی

آهن با فلان آلیاژ است و

سپس فقها صریحاً نظر

خود را اعلام کردند.

به جز موضوع شناسی

چه فعالیت های

دیگری در آن مرکز

انجام می گرفت؟

تدوین مجموعه فقه و

زندگی با هدف بیان احکام

اصناف مختلف در قالب

جزوات و کتابچه ها آغاز شد که

تاکنون احکام مربوط به ۱۷ صنف

چاپ شده است و پیش بینی می شود

که به یکصد موضوع برسد. چون ما به

همین میزان صنف دارای اتحادیه

داریم.

**محتوای این کتابچه ها چیست؟**

به صورت جداگانه احکام مربوط به هر

شغلی را آورده ایم چون نمی شود به

مکاسب محرمه شیخ اکتفا کرد.

مکاسب باید پایه و مبنا باشد و از همان

باید اینها را استخراج کرد. و جزو برنامه

بعدی ما این است که این احکام جزو

برنامه امتحانی کسانی باشد که پروانه

کسب می گیرند و طبق روایات، آگاهی

احکام و آداب شرعی تجارب علاوه بر

فنون کسب و کار الزامی است.

**با توجه به اینکه این کار برای نخستین**

**بار در حال انجام است، با**

**کاستی هایی همراه نیست؟**

قطعاً کاستی دارد و کم تجربگی در

کارهست ولی کارها را با عجله انجام نمی دهیم.

در هر کاری که ابداعی صورت بگیرد،

یکسری کاستی هایی وجود دارد اما

نوآوری، مهم است.

**واکنش و استقبال کارکنان اصناف از**

**مجموعه فقه و زندگی چگونه بوده**

**است؟**

استقبال تا پشتوانه و ضمانت اجرایی

نداشته باشد صورت نمی گیرد البته ما به

وظیفه خود در این زمینه عمل می کنیم.

**خب به ستاد ترویج احکام دین**

**بپردازیم، این ستاد با چه انگیزه ای**

**تشکیل شد؟**

این طرح با پیشنهاد تعدادی از دوستان



معصومه (س) هم در تامین مکان و یکسری پشتیبانی های دیگر با این ستاد همکاری کرد.

**به دنبال تبدیل این ستاد به یکی از**

**مراکز تخصصی حوزه نیستید؟**

بد نیست این را عرض کنم که رویه مادر

کارها این است که سنگ بنای امور را

بگذاریم. مثلاً در بحث فقه اصناف همین

گونه است یا در تدوین رساله احکام

برای نوجوانان که در زمان آیت الله

العظمی اراکی (ره) انجام گرفت، هدف

ما همین بود که مراجع عظام تقلید برای

نوجوان ها هم رساله مستقل داشته

باشند.

خب آن کار به تایید و تصویب رسید و

چاپ شد و الحمدلله الان اکثر مراجع

معظم تقلید رساله مستقل برای

نوجوانان دارند.

**طرح تربیت استاد احکام با**

**چه شیوه ای آغاز شد؟**

در آغاز شورایی از افراد

صاحب نظر در بیان،

تدریس و ترویج

احکام و یا نوشتن

کتاب های عمومی

احکام تشکیل شد

که هم اکنون

حجج اسلام آقایان

موگهی، مهدی پور،

وحیدپور، حجتی تربتی،

فولادی، علوی و موسوی

عضو این شورا هستند و گاهی

هم از دیگر دوستان برای شرکت در

جلسات شورا دعوت می شود و تمام

سیاست گذاری ها در این شورا انجام

می گیرد.

**نخستین پذیرش شما کی و چگونه**

**انجام گرفت؟**

سال گذشته فراخوان دادیم که ۱۳۰ نفر

در آزمون شرکت کردند که در نهایت

بر اساس نمرات آزمون و مصاحبه های

حضور، پنجاه نفر پذیرش شدند و

تمام اینها با جدیت در کلاس ها شرکت

کردند.

**چه مباحثی در کلاس ها تدریس**

**می شود؟**

کتابشناسی فقهی، روش مطالعه فقه،

روش بیان احکام و انتقال تجربیات از

جمله مباحث اینهاست و از برخی

مراکز نیز بازدید می کنند.

**آیا خود احکام هم تدریس می شود؟**

بله تدریس می شود البته اینها درس

## نقش امام موسی صدر در

### ارتقای جایگاه شیعیان لبنان

نقش امام موسی صدر در ارتقای جایگاه شیعیان لبنان عنوان مقاله ای در فصلنامه شیعه شناسی است که در آن با اشاره به روند شکل گیری جنبش های لبنانی و استقلال لبنان بر نقش شیعیان به ویژه امام موسی صدر تصریح شده است.

به گزارش مرکز خبر حوزه، در این نوشتار آمده است: شیعیان لبنان در جامعه فرقه ای و طایفه ای این کشور همواره در قیاس با سایر طوایف از صحنه قدرت به دور بوده و نسبت به جمعیت خود سهم ناچیزی را دارا بودند و علی رغم سعی و تلاش رهبران سنتی شیعه و علمای مذهبی نتوانستند به جایگاه واقعی خود در این کشور دست یابند.

این مقاله می افزاید: در اواخر قرن نوزدهم، اکثریت شیعیان از لحاظ جغرافیایی در انزوا و از لحاظ سیاسی ضعیف و از نظر اقتصادی تابع حکومت خاندان های فئودال باقی ماندند.

در نیمه اول قرن بیستم به همت علمایی چون علامه شرف الدین که بانی تجدید حیات و بیداری سیاسی شیعه در این دوره تلقی می گردد به تدریج نشانه های اولیه تغییرات اجتماعی در میان شیعیان عیان گشت.

در این مقاله آمده است: با ورود امام موسی صدر به لبنان در نیمه های دهه شصت میلادی ضمن تکمیل اقدامات علامه شرف الدین اقدامات مهمی به منظور بویایی شیعه در این کشور آغاز شد و در کنار فعالیت های گسترده دینی و فرهنگی خود در مناطق شیعه نشین لبنان، مطالعات عمیقی به منظور ریشه یابی عوامل عقب ماندگی شیعیان لبنان به اجرا گذارد.

به منظور تقویت جایگاه داخلی شیعیان در جامعه لبنان، علاوه بر تاسیس موسسات اجتماعی، اقتصادی فرهنگی و آموزشی، ایجاد یک ابزار قانونی برای احقاق حقوق شیعه را حیاتی دانست و علی رغم کارشنکی رهبران شیعه و اهل سنت، مجلس اعلا شیعه را تاسیس نمود و ابزار قانونی برای کسب قدرت در لبنان را به دست آورد.

اهمال و کوتاهی دولت لبنان در قبال مسایل اجتماعی و امنیتی شیعیان به ویژه در جنوب این کشور، امام موسی صدر را متوجه ایجاد تشکیلات سیاسی رسمی در کنار مجلس اعلا برای رفع محرومیت از جامعه لبنان به خصوص مردم جنوب لبنان نمود و جنبش محرومین را تاسیس نمود و شاخه نظامی این جنبش را تحت عنوان افواج المقاومة اللبنانیه - امل تاسیس کرد.



خوانده هستند و سطح دو حوزه را گذرانده‌اند ولی با هدف ایجاد برخی توانمندی‌ها بخش‌هایی از عروه و تحریر تدریس می‌شود چون کسی که می‌خواهد به صورت تخصصی وارد موضوعی شود باید بر عمق مطالعات خود در آن موضوع بیفزاید.

**از چه مراکزی بازدید می‌کنند؟**

مراکزی که به نحوی با موضوعات فقهی در ارتباطند. مانند کشتارگاه دام، کشتارگاه طیور و همچنین مراکز تولید صنایع غذایی، غسلخانه و ...

**دوره آموزشی شما چقدر طول می‌کشد؟**

دو ترم تحصیلی است و بعد از آن کار عملی دارند. به نحوی که باید نزد اساتید و سایر طلابی که در دوره شرکت کرده‌اند به تدریس احکام بپردازند.

**پس از موفقیت در دوره، گواهینامه هم به آنها می‌دهید؟**

بله قرار است که با هماهنگی حوزه به اینها گواهینامه داده شود. البته به نظر ما اگر کسی در این عرصه نتواند باشد، نیازمند گواهینامه نیست ولی برای اینکه رسمیت داشته باشد این کار طبق صلاحیت مرکز مدیریت حوزه انجام می‌گیرد.

**نگاه مدیریت جدید حوزه نسبت به فعالیت‌های ستاد ترویج احکام دین چگونه است؟**

در اوایل مدیریت آیت‌الله مقتدایی به اتفاق اعضای شورای این ستاد خدمت ایشان رسیدیم و کار را توضیح دادیم که ایشان بسیار خوشحال شد و بر ضرورت کار تاکید داشت و وعده ادامه پشتیبانی‌های سابق و نیز حمایت‌های جدید را دادند که امیدواریم ان‌شاءالله صورت بگیرد.

**آیا قصد توسعه این دوره‌ها به طلاب خواهر را ندارید؟**

برخی از مراکز حوزوی که متکفل آموزش خواهران هستند از ما برای برگزاری این دوره ویژه بانوان طلبه درخواست کرده‌اند اما ما فعلاً قصد چنین کاری را نداریم در عین حال حاضریم طرح را در اختیار این مراکز قرار دهیم و اساتید را به آنها معرفی کنیم تا خودشان برگزار کنند.

**گفتید که کارهای این ستاد را در چند مرحله تعریف کرده‌اید. لطفاً توضیح دهید؟**

فعلاً مرحله آموزش در حال انجام است و لکن از اقدامات بعدی راه‌اندازی

کتابخانه تخصصی احکام است. بنده حدود ۳۰ سال است که هر جا اعم از داخل و خارج کشور کار جدیدی در زمینه احکام دیده‌ام خریداری کرده‌ام و دوستانی هم که به خارج از کشور سفر داشته‌اند در این زمینه مرا همراهی کرده‌اند. لذا الان مجموعه‌ای تقریباً غنی آماده شده است که در کنار کلاس‌ها راه‌اندازی شود.

مرحله بعدی راه‌اندازی موزه موضوعات فقهی است که سالیانی به این فکر بوده‌ام و این دغدغه را هم به برخی بزرگان منتقل کرده‌ام که در آن انواع پرندگان حلال گوشت، ماهی‌ها و دیگر موضوعات مرتبط فقهی به نمایش گذاشته شود.

ما الان آکواریوم‌های بزرگی داریم که مردم به تفریح و بازدید به آنجا می‌روند؛ خوب چه اشکالی دارد که حوزه هم

**آیا برنامه‌های دیگری در ستاد در نظر گرفته‌اید؟**

بله، الان نیروی پاسخ‌گو به اندازه کافی در حوزه نداریم بحمدالله استاد، درس خوانده و فاضل‌های زیادی در حوزه حضور دارند اما الان دست‌نیاز مراکز پاسخ‌گو به سوی حوزه دراز است که افرادی به مسایل شرعی و دینی مردم پاسخ بگویند لذا یکی از برنامه‌های ما این است که لااقل در مراکز استان‌ها فرد یا افرادی در حوزه‌های علمیه با چندین خط تلفن پاسخ‌گوی سئوالات شرعی مردم باشند و مردم بدانند که یک مرکز پاسخ‌گویی به سئوالات شرعی در شهر آنها وجود دارد.

**نظرات مراجع با هم فرق می‌کند و امر پاسخ‌گویی شرعی به این شکل نیازمند آگاهی‌های خاص می‌باشد.**

اتفاقاً یکی از کارهای ما همین است.

**فعالاً مرحله آموزش در حال انجام است و لکن از اقدامات بعدی راه‌اندازی کتابخانه تخصصی احکام است. مرحله بعدی راه‌اندازی موزه موضوعات فقهی است که سالیانی به این فکر بوده‌ام و این دغدغه را هم به برخی بزرگان منتقل کرده‌ام.**

چنین جایی داشته باشد تا طلاب بعد از آنکه "اطعمه و اشربه" را خواندند به آنجا بروند و مشاهده کنند تا توان پاسخ‌گویی به مسایل شرعی مردم بیشتر شود. یا اگر، همان‌طور که ماکت عملیات‌های دوران دفاع مقدس رادرست می‌کنیم، ماکت تمام مواقف عمره و حج را به نمایش بگذاریم، ضریب یادگیری و ماندگاری مطالب خیلی بالا می‌رود. من گاهی گفته‌ام که آب، یکی از موضوعات فقه است و در کشور، چندین موزه آب داریم ولی ما برای تمام موضوعات فقهی، یک موزه واحد نداریم.

**حاج آقا! چرا این حرف‌های خوب در حد حرف باقی می‌ماند و اجرایی نمی‌شود؟**

البته ما ناامید نیستیم مثلاً برای همین شهرک آموزشی حج زمینی نزدیک حرم امام خمینی در نظر گرفته‌اند. ما ایده‌ها و طرح‌ها را بارها گفته‌ایم و باز هم خواهیم گفت و اگر انجام این کارها بیست سال دیگر هم محقق شود خوب است.

یعنی آشنایی با تفاوت فتواها و تسلط بر اینها به مقداری که امر پاسخ‌گویی را تسهیل نماید و اجرای این طرح توفیقات زیادی را در پی خواهد داشت. اصلاً چه اشکالی دارد که حوزه علمیه در ماه مبارک رمضان چند خط تلفن اعلام کند که مردم سئوالات شرعی‌شان را از این طریق بپرسند من یک خط تلفن همراه دارم که لاینقطع با آن تماس می‌گیرند و قریب به اتفاق آنها سؤال شرعی دارند.

**آیا برنامه‌ای در تدوین متون احکام و کتب درسی ندارید؟**

ما در این زمینه اعلام آمادگی می‌کنیم اما هنوز اقدامی نشده است. الان سالیانی است که بخشی از کتاب‌های درسی به احکام اختصاص دارد اما میزان موفقیت آن معلوم نیست اینها باید طوری باشد که وقتی دانش‌آموز یا دانشجو احکام را می‌خواند هم لذت ببرد هم علاقه‌اش به فراگیری احکام بیشتر شود.

**نظر شما درباره تدوین رساله‌های تخصصی برای اقشار مختلف چیست؟**

باید بانوان، نوتکلیفان، و نوجوانان، جوانان و دانشگاہیان و عموم مردم هر کدام رساله‌های مخصوص به خود را داشته باشند. ما ضمن احترام به رساله‌های فعلی، برای تکمیل شدن آن طرح داریم زیرا بسیاری از ابواب در آن نیامده است. مسایل پزشکی معمولاً به طور کامل در رساله‌ها وجود ندارد، آداب زندگی که جزو احکام دینی است در رساله‌ها نیست.

مناسب است احکام گناهان مثل دروغ، غیبت و دیگر مسایل فقهی در رساله‌ها بیاید که امیدواریم اینها هم انجام پذیرد. البته توقع این نیست که مراجع معظم تقلید حفظهم‌الله با آن همه کثرت مشاغل اینها را بنویسند بلکه ما باید در خدمت آنها باشیم و اینها را آماده کرده تقدیمشان کنیم و طبق صلاحیت‌ها تایید کنند. علاوه بر این بیش از ۵۰ سال از نشر قالب فعلی رساله‌ها می‌گذرد و بسیاری از اصطلاحات و لغات آن قابل فهم برای عموم نیست و این هم به معنای تغییر در فقه نیست بلکه برخی موضوعات چندان قابل ابتلا نیست و باید حذف شود و برخی موضوعات که اشاره شد باید به آن اضافه شود.

به عنوان مثال، سابقاً بحث "سبق و رمایه" را در کتب فقهی داشته‌ایم لکن باید مسایل آن با تطبیق بر مباحث و مصادیق روز در رساله‌های عملیه بیاید.

**علی‌رغم رونق نسبی در درس فقه و اصول در حوزه‌های علمیه، شاهد رونق بیان احکام در فعالیت‌های تبلیغی نیستیم. چرا؟**

سابقاً مرسوم بوده است که در منبرها احکام می‌گفتند ولی متأسفانه مقداری کم‌رنگ شده است و ما اتفاقاً هدفمان این است که احکام جزو موضوعات اصلی تبلیغ شود نه اینکه به بین‌الصلا تین خلاصه گردد. چون اگر فقه جزو موضوعات اصلی معارف دین است پس باید جزو مباحث اصلی که مردم از آن مطلع شوند نیز باشد. به نظر ما اگر احکام با زبان قابل فهم برای مردم و نمونه‌های قابل ملموس و مبتلا به استفاده از جاذبه‌های هنری که شرع اجازه می‌دهد مطرح شود، مورد استقبال قرار می‌گیرد.

**با تشکر از شرکت شما در این گفت‌وگو من هم از شما تشکر می‌کنم.**

## ماه رمضان

## هرجایی که هلال رویت شود برای بقیه جاها حجت است

س ۱. در صورت رؤیت هلال در ایران و حکم حاکم شرعی به ثبوت رؤیت هلال و اعلام عید در سراسر ایران، با در نظر داشتن اینکه چه بسا هلال در مناطق غربی ایران رؤیت می شود، آیا ما می توانیم طبق همین حکم حاکم، در افغانستان، حکم به ثبوت اول ماه شوال نماییم؟

ج. گرچه حکم حاکم نسبت به اول ماه و هلال، نفوذ ندارد، لیکن حسب مبنای اخیر این جانب رؤیت هلال در هر مملکت برای مملکت دیگر، در صورتی که در شب مشترک باشند اگر چه اشتراکشان در شب، در همه شب نباشد، و به مقدار کمی باشد، کفایت می کند. نیت:

س ۲. شخصی یادش نیست که نیت روزه کرده یا نه و روزه اش را با شک و تردید در صحت و عدم صحت کامل کرده، آیا این روزه صحیح است یا خیر؟

ج. همین که سحری خورده و می خواسته روزه بگیرد، نیت روزه است، چون لزومی ندارد که نیت به زبان جاری شود یا از قلب گذرانده شود.

نیت:

س ۳. اگر کسی اول ماه مبارک رمضان نیت کند، آیا لازم است که برای هر روز، هنگام سحر هم نیت کند؟

ج. انسان می تواند در هر شب از ماه رمضان برای روزه فردای آن نیت کند، و بهتر است که شب اول ماه هم نیت روزه همه ماه را بنماید.

وقت افطار همان غروب خورشید است.

س ۴. به نظر حضرت عالی وقت افطار روزه چه زمانی می باشد، آیا برای افطار باید صبر نمود تا سرخی طرف مشرق (حمره مشرقیه) برطرف شود؟

ج. وقت افطار و نماز مغرب، مغرب می باشد و مغرب همان گونه که برخی از علمای بزرگ شیعه فتوا داده اند همان غروب عرفی است که خورشید غروب می کند و در تحقق مغرب ذهاب حمره مشرقیه (برطرف شدن سرخی طرف مشرق) لازم نیست. گر چه کمی صبر کردن بعد از غروب عرفی و استتار قرص، مطلوب است. افطار روزه با احتمال ضرر

س ۵. آیا احتمال ضرر و بیماری، مجوز افطار است، یا اطمینان به ضرر و بیماری هم لازم است؟ میزان در مقدار ضرر چیست؟

ج. احتمال عقلایی به ضرر و بیماری مجوز است و اطمینان لازم نیست، و معیار، خوف ضرر و بیماری است؛ و میزان، مقداری است که به طور متعارف تحمل نمی شود و باید غیر از ضرری باشد که بر حسب طبع، در اثر روزه برای همه روزه داران محقق می شود.

س ۶. آیا می شود دعاهایی از قبیل دعای ابو حمزه را که طولانی است، در ظرف چند شب خواند؟

ج. وفاقاً لکاشف الغطاء (قدس سره) و سیدنا الاستاذ امام خمینی (سلام الله علیه) می توان و مانعی ندارد. عدم جواز پخش دعا از بلندگوهای مساجد که موجب آزار دیگران است.

س ۷. اگر خواندن دعا و غیر آن از کارهای مستحب و پسندیده شده به وسیله بلندگو که صدای آن به خارج محل برسد و موجب اذیت و آزار دیگران گردد، آیا خواندن و انجام آنها جایز است؟

ج. حرام است، بلکه چنانکه کاشف الغطاء فرموده است، دو معصیت انجام گرفته که یکی معصیت اذیت کردن است و دیگر اینکه عبادت و بندگی خداوند را با معصیت انجام داده؛ و باید توجه داشت که اعمال مستحبه برای تقرب انسان به خداوند است و نباید در آنها ایذاء و اذیت بندگان خدا همراه باشد و در روایت از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است: مَنْ أذَى مَوْمِنًا فَقَدْ أذَى مَنْ أذَى اللّهِ عَزَّوَجَلَّ وَمَنْ أذَى اللّهِ فَهُوَ مَلْعُونٌ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ.

رحمت واسعه الهی در دعای اللهم ادخل

س ۸. احتراماً با توجه به دعای اللهم ادخل علی اهل القبور السور... که در آخر نمازهای واجب ماه مبارک رمضان خوانده می شود آیا فقط شامل شیعیان و یا مسلمانان می شود یا غیر آنها را نیز شامل می گردد؟

ج. چنانکه از کلمات بلند دعا استفاده می شود اهل القبور شامل کلیه اهل قبور، اعم از شیعه و سنی و مسلمان و غیر مسلمان می شود، و مؤمنین در ماه رحمت و برکت الهی از خداوند می خواهند که سرور و شادی را در کلیه قبور وارد نماید و کل فقرا را بی نیاز نماید و مشکلات را از همه مردم برطرف نماید و... و همچنان که انسان در حال حیات محترم است، مرده او هم احترام دارد و چرا چنین نباشد و حال آنکه ماه رمضان، ماه نزول قرآن و ماه رحمت است و به عنوان مبارک معرفی شده که رحمت و برکت الهی شامل همه بندگان است و همگان را شامل می شود و این از ادعیه بلند ماه مبارک است که مؤمنین در بهترین حالات، که همان حال روزه داری است، از خداوند متعال بهترین چیزها را برای تمام انسان ها اعم از مردگان و زندگان طلب می نمایند و این یک از هزاران جمله ای است که از رسول اکرم و ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) در خصوص کرامت انسان ها وارد شده و اگر جز این دعا برای اثبات نگاه اسلام به کرامت همه انسان ها نبود، همین دعا برای اثبات این اصل انسانی در اسلام کافی بود؛ ان شاء الله خداوند همه گذشتگان و همه بندگان را مشمول این ادعیه قرار بدهد.

س ۹. به نظر حضرت عالی اول ماه رمضان چگونه

ثابت می شود؟

ج. اول ماه به چهار چیز ثابت می شود:

۱. خود انسان ماه را ببیند؛

۲. عده ای که از گفته آنان اطمینان پیدا می شود، بگویند ماه را دیده ایم؛

۳. دو نفر مورد اطمینان بگویند که در شب، ماه را دیده ایم و اوصاف ماه را مثل هم تعریف کنند؛

۴. سی روز از اول ماه شعبان بگذرد که به واسطه آن اول ماه بعد ثابت می شود؛ و اول ماه با پیشگویی منجمین و علوم روز ثابت نمی شود، ولی اگر انسان از گفته آنان اطمینان و علم عادی پیدا کند، باید به آن علم عمل نماید.

س ۱۰. اگر شخصی که از حضرت عالی تقلید می کند، روز اول ماه مبارک رمضان را طبق حکم حاکم شرع، روزه ننگرفته باشد، آیا باید روزه آن روز را قضا کند یا خیر؟

ج. حکم حاکم در مورد هلال ماه، نفوذ ندارد و قضا و عدم آن، منوط به یقین مکلف نسبت به اول ماه یا آخر ماه است.

س ۱۱. در حال حاضر که با پیشرفت ابزار علمی قادریم با استفاده از وسیله ای چون دوربین دو چشمی، هلال های باریک را نیز رؤیت نماییم، آیا باز برای رؤیت هلال، باید تنها به چشم غیر مسلح متوسل شویم و یا اینکه رؤیت هلال ماه با استفاده از ابزار نیز دارای حجیت است؟

ج. مناط شهور و اهله که مواقت شرعی برای روزه و حج و غیر آنهاست، همان حلول شهر (ماه) است نه رؤیت، و حلول به هر طریق علمی که باشد، حجت است و کفایت می کند؛ به علاوه آنکه بر فرض موضوعیت رؤیت، مقتضای اطلاق ادله اش اعتبار رؤیت هلال با ابزار است و اختصاص به رؤیت با چشم غیر مسلح ندارد.

س ۱۲. آیا اخبار مربوط به رؤیت هلال از سوی مراکز خبری و صدا و سیمای کشورهای اسلامی غیر از ایران، حجّت است؟

ج. معیار، اطمینان و وثوق است، که در موضوعات از هر راهی حاصل شود، حجّت است.

س ۱۳. افرادی که برای کار به کشورهای حوزه خلیج فارس می روند، اگر در اواخر ماه مبارک رمضان به آن جا سفر نمایند، با توجه به این که روزه را یک روز دیرتر از آن جا شروع کرده اند، تکلیف اتمام روزه آنان باید بر مبنای کدام محل باشد؟

ج. مبنا، ثبوت رؤیت هلال است به نحوی که در پاسخ سؤال دو گذشت.

س ۱۴. نیت روزه در ماه رمضان چگونه است؟

ج. در روزه ماه رمضان همین مقدار که تصمیم دارد فردا را روزه بگیرد، کفایت می کند.

حضرت آیت الله العظمی صناعی در اجتماع جمعی از نخبگان استان گلستان:

# مردم از هر رسانه ای که دروغ می گوید فاصله بگیرند

ملت موظف است از هر رسانه ای که دروغ می گوید و خلاف واقع گزارش می دهد فاصله بگیرد. حضرت آیت الله العظمی صناعی در اجتماع تعدادی از نخبگان استان گلستان با بیان مطلب فوق اظهار داشتند: مردم باید رسانه های دروغگو اعم از نوشتاری و دیداری را بشناسند و به حرف های آنها گوش ندهند مبدا که تحت تأثیر اخبار کذب آنان قرار بگیرند. ایشان افزودند: رسانه ای که به این و آن توهین می کند و یا عده ای را تحقیر می کند و اسباب گرفتاری افراد را فراهم می کند و متأسفانه به این اعمال خود افتخار هم می کند نباید مورد توجه مردم قرار بگیرد چراکه این

اعمال و رفتار خلاف

اسلام و قرآن است. اسلام که دروغ ندارد. اسلام که تحقیر ندارد لذا توجه به این رسانه ها و گوش دادن به اخبار آنها خلاف اسلام و قرآن است که می فرماید: **أَنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا** این مرجع عالیقدر در ادامه و با اشاره به حوادث پس از انتخابات که منجر به زندانی شدن تعدادی از فعالین سیاسی معترض به روند انتخابات و کشته و شهید شدن تعداد دیگری از آنان گردید، فرمودند: تخلیه

اطلاعاتی افراد در بند و اقرارگیری از آنان خلاف شرع و حرام است.

حضرت آیت الله العظمی صناعی افزودند: امیرالمومنین (علیه السلام) می فرماید اقرار در هنگام تجرید، حبس، تهدید و تخویف معتبر نیست و هیچ ارزشی ندارد. تجرید یعنی تخلیه اطلاعاتی آن هم هنگامی که ارتباط متهم را با خارج از زندان قطع می کنیم به گونه ای که تمام روحیه اش یک دفعه عوض بشود و بعد در این شرایط از او اقرار می گیریم. مسلماً چنین اقراری که همراه با حبس و تهدید و تخویف و تجرید است هیچ ارزش و اعتباری ندارد همانگونه که عذاب مضاعف مجرم نیز خلاف شرع و حرام است.

شاگرد اندیشمند امام امت (سلام الله علیه) در ادامه و با اشاره به اینکه امروز عده ای با اعمال، گفتار و رفتار خویش در صدد امام زدایی هستند فرمودند: واقعیت این است آنچه که امروز در سطح جامعه انجام می شود و متأسفانه به نام اسلام و قانون اساسی هم صورت می پذیرد، خلاف رفتار و کردار

و اندیشه امام خمینی (سلام الله علیه) است. سیره امام فرمان هشت ماده ای ایشان است که فرمودند اگر مأموری برای کشف یک جرمی رفت و آن جا چیز دیگری را دید حق گزارش ندارد حالا خبر می دهند که مأموری رفته برای فلان مسأله و گفته ما رفتیم فلان جا و آن جا کتاب های ناجور و کتب ضاله بود. آخر کسی نیست بگوید تشخیص کتب ضاله چه ربطی به افراد مسئول امنیت و انتظامی جامعه دارد؟ ایشان در ادامه و با اشاره به این مهم که اخیراً برخی می خواهند پس از شنیدن نام امام به جای سه صلوات یک صلوات بفرستند، این امر را در راستای پروژه امام زدایی توصیف کردند و فرمودند: سنت این مردم پس از شنیدن

معظم له در ادامه و با اشاره به اینکه اسلام دین تفقه است و ما را توصیه به ریشه یابی کرده است فرمودند: مسائل سطحی خیلی مهم نیست آنچه مهم است ریشه یابی است. تفقه معنایش تنها آشنایی به مسائل شرعی نیست بلکه ریشه یابی مسائل است. لذا شما باید در مسائل سیاسی ریشه یاب باشید و باید متوجه باشید که استعمار فکری نشوید فکرتان اسیر اطلاعات غلط نشود که اطلاعات غلط شعبه ای از ناآگاهی است و معلوم است که چه کسانی از آگاهی ملت می ترسند و از اینکه یک یا چند نفر با یکدیگر تماس بگیرند به هراس می افتند حتی اگر در گورستان باشد. مگر گورستان بانک است که می ترسید آن را آتش بزنند؟

این مرجع عظیم الشان فرمودند:

یکی از این ریشه یابی ها این است که متوجه باشید بسیاری از مسائلی که این روزها مثل برخی عزل و نصب ها و غیره اتفاق می افتد بازی سیاسی است که در پشت آن منافع برخی افراد و جریانات قرار دارد.

آیت الله صناعی در ادامه فرمودند: اسلام دین سهولت است دین آسانی و عقل است، اسلام هیچ گاه عقل فردی را به عقل جمعی ترجیح نمی دهد. اسلام با خشونت مخالف است با شکنجه و تحذیر هم مخالف است.

این مرجع عالیقدر در ادامه و با

بیان این سخن که وای به حال ملتی که سخن روزشان غیر از دردشان باشد، فرمودند: درد امروز ما زندانی شدن فرزندانمان است، دردمسائلی است که در بازداشتگاهها و زندانها جریان داشته و دارد، درد آنجایی است که اقرارها با تجرید گرفته شده باشد، درد آن جایی است که نمی گذارند مادری سر قبر عزیزش فاتحه بخواند درد این است که انسانی را بگیرند و بکشند و بعد بگویند مننیت گرفته است یا بگویند در زندان در اثر مرض مسری فوت کرده است! آیت الله العظمی صناعی در پایان و با قرائت این آیه شریفه قرآن **وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مَعْتَدًا فَجَزَاءُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا** فرمودند: مراد از قتل مومن که سبب خلود انسان در جهنم می شود قتل یک جریان است نه قتل یک فرد. یعنی افراد یک جریان را می کشند و به شهادت می رسانند و افراد جریان دیگر را احترام می گذارند. جزای این امر خلود در جهنم است و این غیر از قتل یک نفر است که با قصاص جبران می شود.

**"امیرالمومنین (علیه السلام) می فرماید اقرار در هنگام تجرید، حبس، تهدید و تخویف معتبر نیست و هیچ ارزشی ندارد. تجرید یعنی تخلیه اطلاعاتی آن هم هنگامی که ارتباط متهم را با خارج از زندان قطع می کنیم به گونه ای که تمام روحیه اش یک دفعه عوض بشود و بعد در این شرایط از او اقرار می گیریم. مسلماً چنین اقراری هیچ ارزش و اعتباری ندارد."**

**"سیره امام حفظ همه کسانی بود که زحمت کشیده بودند حتی اگر از برخی از آنان ناراحت بود. برخی از آنان ناراحت بود. جمهوری اسلامی امروز باید مخصوصاً با آنهایی که زحمت کشیدند خوب رفتار کند. این کلاس اول سیاست است که حکم می کند حکومت لااقل اطرافیان خود را حفظ کند. آنهایی را که ۳۰ سال برای این نهضت زحمت کشیدند و جانفشانی کردند، باید حفظ کرد."**

نام امام ذکر سه صلوات است لذا دست زدن به این اقدام از بین بردن شخصیت امام است، لذا به همه شما توصیه می کنم برای مبارزه با این فکر غلط و اندیشه خائنانه اولاً در خانه هایتان و حتی محل کارتان عکس امام را نصب کنید و هر زمانی هم که نام امام را می شنوید حتماً سه صلوات بفرستید چراکه این سه صلوات با خون شهید بهشتی ها، مطهری ها و صدها هزار شهید دیگر به دست آمده است. آیت الله صناعی حذف یاران امام را نیز روی دیگر سکه امام زدایی عنوان کردند و فرمودند: سیره امام (سلام الله علیه) حفظ همه کسانی بود که در نهضت و انقلاب اسلامی زحمت کشیده بودند حتی اگر از برخی از آنان ناراحت بود. جمهوری اسلامی امروز باید مخصوصاً با آنهایی که در نهضت و انقلاب زحمت کشیدند خوب رفتار کند. این کلاس اول سیاست است که حکم می کند حکومت لااقل اطرافیان خود را حفظ کند. آنهایی را که ۳۰ سال برای این نهضت زحمت کشیدند و جانفشانی کردند، باید حفظ کرد.

دفتر قم:

خیابان شهید محمد منتظری. کوچه هشتم. پلاک ۴

کدپستی ۳۷۱۳۷۴۴۳۶۹

تلفن: ۰۱۰ - ۷۷۴۴۰۰۹ - ۷۷۴۴۷۶۷ - ۶۲ - ۷۸۳۱۶۶۰

نمابر: ۰۲۵۱ - ۷۷۳۵۰۸۰

ایمیل: [istifta@saanei.org](mailto:istifta@saanei.org)



گزارش‌نامه داخلی  
دفتر مرجع عالیقدر  
حضرت آیت‌الله العظمی صانعی  
یکشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۸۸ - ۲۰ مرداد ۱۴۳۰ - ۲۳ آگوست ۲۰۰۹  
سال اول / شماره ۵

[www.saanei.org](http://www.saanei.org) & [istifta@saanei.org](mailto:istifta@saanei.org)

حضرت آیت الله العظمی صانعی (مدظله العالی)

اسلام، مجموعه‌ای از قوانین و دستورات است که

هیچ قانون مشکلی را برای انسانها قرار نداده و با

هرگونه خشونت، ظلم و بی‌عدالتی مخالف است و

براین اساس همه انسانها آنرا می‌پذیرند.

چکیده اندیشه‌ها، ص ۲۳

درج مقاله‌ها و تحلیل‌ها در راستای اطلاع‌رسانی و ارتقاء سطح فکری می‌باشد و دلالتی بر تأیید آن نیست.

بیانیه مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صانعی

در پی برگزاری دادگاه‌های پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری

# آزادی موهبتی خدادادی است

باسمه تعالی

وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (۱۱۳/هود)

تاریخ انقلاب اسلامی پس از فرزاندم قانون اساسی، حضوری باشکوه‌تر و با عظمت‌تر از انتخابات ۲۲ خرداد را به یاد ندارد. روزها و شبهایی را به یاد داریم که پسران و دختران، مادران و پدران و حتی آت‌های که نمی‌توانستند در انتخابات مشارکت کنند، چنان شور و شغفی را به پا ساخته بودند و چنان از آرمانهای بزرگ معمار و بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (سلام الله علیه) به بزرگی و خوبی یاد می‌کردند که انسان از آن همه عظمت، وحدت و یکپارچگی به وجد می‌آمد.

آری، همه به نام دین و به نام آزادی برخاسته از اصول تشیع و برای پاسداری از آرمانها و ارزشهای شهیدان بخون خفته آمده بودند تا بار دیگر آن هم پس از سی سال به دنیا نشان دهند که آزادی موهبتی است خدادادی و هیچ کس نمی‌تواند مانع و سلب‌کننده آن از دریای انسانها باشد. اما چه شد؟ به ناگهان فرزندان انقلاب به گوشه‌های زندان افتادند. جوانان عزیز طعم تلخ باتوم و گاز اشک‌آور را تجربه کردند و به ناگاه مجروحان و شهدایی بر جای ماند. این همه تنها به خاطر

این بود که مشروعیت انتخابات مورد پرسش واقع شده بود. و آیا سزاوار بود که پاسخ انتقاد و اعتراض آنها را چنین بدهیم و ناخواسته ایجاد بحران نماییم و تمام آن اعتراضها را به دول

خارجی نسبت داده و بی‌محابا از سرنوشت محتوم تمام مستبدان و ظالمان، آنها را وابسته به دنیای غرب بینداریم؟ ظلم و تعدی تا آنجا پیش رفت که شاهد دادگاه‌های کسانیکه خود در تمام حوادث پس از انقلاب و دوشادوش تمام مسوولان حضوری فعال و چشمگیر داشتند. دادگاهی که هویت و چگونگی آن از پیش مشخص بود، تا جایی که شاهدیم نه تنها به مردم، بلکه به نخبگان آنان و کسانیکه عمر و جوانی خویش را وقف خدمت به اسلام، انقلاب و جمهوری اسلامی نموده‌اند، نیز رحم نکردند و آنها را

با انواع فشارهای روحی و روانی و نگه داشتن طولانی مدت در سلول‌های انفرادی و قطع ارتباط با خارج از سلول و بی‌خبر نگه داشتن از همه مسائل روبرو ساختند و مهمتر از همه، خانواده‌های بی‌گناه آنها را از سرنوشت عزیزانشان بی‌خبر گذاشتند.

با توجه به آیه شریفه قرآن که به طور صریح و روشن هرگونه اعتنا به ستمکاران و ظالمان و اعتماد بر آنان را به خاطر جهاتی از جمله افزایش جرأت ظالمان و سرکوبگران آزادی‌های خدادادی، گناهی خطرناک دانسته و با عنایت به کتاب و سنت و عقل، بر خود لازم می‌داند که یک وظیفه شرعی و حکم الهی را در شرایط امروز و مخصوصاً در رابطه با جلسه دادگاه حدود یک صد نفر از متهمان تذکر دهم. دادگاهی که اگر نگوییم در نظام قضایی جهان کم سابقه است، حد اقل در فضای اسلامی بی سابقه و بدعتی نو به شمار می‌آید و قطعاً با

گناهای همراه می‌باشد. اما آن نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، صحت این اعترافات نیست، مسئله‌ای که بی‌ارزش بودن آن بر همگان روشن است، آن هم تنها به این دلیل که در زندان گرفته شده و



حسب فرموده امیر المؤمنین (علیه السلام) اقرار در زندان و حبس اعتبار نداشته و ندارد، نه از آن جهت که عمده اعترافات گرفته شده، اقرار در حق دیگران است، که نه تنها بی‌ارزش، بلکه افترا و تهمت، معصیت کبیره و بر خلاف همه قوانین، حقوق و کرامت انسان هاست و همه کسانیکه به نحوی در نشر این گونه اعتراف‌ها دخیل بوده‌اند، در گناه آن‌ها شریک و سهیم می‌باشند و همه آن‌ها مستوجب عذاب افترا و تضییع آبروی مردم هستند، موضوعی که در اسلام از جان انسانها بالاتر است و خواه ناخواه در زمانی نه چندان دور، قبل از جزای آخرت، کیفر و جزای عمل خائنانه خود را در این دنیا و در محکمه‌ای صالح و عادلانه خواهند دید. لکن نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد، عبارت از بی‌اعتنایی به این اعتراف‌گیری‌ها و عدم ترتیب اثر به آن هاست که ترتیب اثر دادن به آن‌ها هر چند بسیار ناچیز باشد، اعتماد و اعتنا به ظالمین به حقوق ملت و کرامت انسان‌ها بوده و مخالفتی روشن و آشکار با قرآن و وحی و حکم الهی می‌باشد.

درخاتمه همگان باید از خداوند توانا بخواهند تا استقامت همراه با مسالمت در راه احقاق حق و حاکمیت بر سرنوشت خویش را به ما ارزانی دارد و از او متضرعانه بخواهیم که به برکت ایام با برکت شعبانیه و مولود منجی عالم بشریت، به ملت ما صبر و نصر و جزای خیر عنایت فرماید.

یوسف صانعی

۱۳ شعبان المعظم ۱۴۳۰

۱۳۸۸/۵/۱۴